

بررسی تطبیقی باغ‌سازی ایران در دوران ساسانی و اسلامی بر اساس توصیف‌های بهشتی

مهدی حمزه‌نژاد *

پریا سعادت‌جو **

مجتبی انصاری ***

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۵ تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۱۰

چکیده

باغ به‌مثابه تمثالی از بهشت، همواره در میان باورهای ایرانیان جایگاه مقدسی داشته است. برخلاف اندیشه‌های رایج مبنی بر هویت و ساختار یکسان باغ ایرانی در طول تاریخ، شاخصه‌های اصلی باغ‌سازی در ادوار گوناگون بسیار متغیر بوده است. به‌نظر می‌رسد این تفاوت‌ها با تغییر آیین‌های دینی که تعاریف متفاوتی از بهشت آرمانی ارائه می‌دهند، نمود بارزتری یافته و مستلزم تأملی دقیق‌تر است. این پژوهش سعی بر این دارد تا ضمن بررسی مصادیقی از دوران ساسانی و دستیابی به الگوی کلی باغ‌سازی در این مقطع، تغییرات صورت‌گرفته در آن را با ورود به دوران اسلامی ارزیابی کند؛ همچنین با بررسی شاخصه‌های بهشت آرمانی و مبانی نظری مرتبط با این مقوله در ادیان زرتشت و اسلام، حکمت دستیابی به این الگوها و دلایل تفاوت‌های کالبدی باغ‌های این دو دوره مشخص می‌شود. در این تحقیق، با استناد به آموزه‌های *اوستا* و *قرآن* و سایر منابع دینی، با روش تحقیق تفسیری-تاریخی شاخصه‌های مورد اشاره در توصیف باغ‌های بهشتی تبیین می‌شود؛ سپس با روش تطبیقی به بازبینی مبانی نظری باغ‌سازی ایرانی در دوران ساسانی و اسلامی می‌پردازیم تا امکان انطباق مؤلفه‌ها و عناصر باغ ایرانی با مبانی نظری فرهنگ دینی (زرتشتی و اسلامی) فراهم شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد صفات و مفاهیم نمادین مرتبط با باغ‌سازی، مبنایی فرهنگی و صبغه‌ای دینی دارد و ویژگی‌های خود را از صفات بهشت آرمانی مذهب و آیین حاکم بر جوامع می‌گیرد و همین تفاوت‌هاست که به ساختارها و الگوهای کالبدی متفاوت در هر برهه از زمان می‌انجامد. تمدن ایران در دوره رواج و گسترش آیین‌های میتراپی، مزدیسنا و زرتشتی با تفسیر ویژه از طبیعت به تقدیس آن می‌پرداخت؛ اما با ورود دین اسلام، احترام به طبیعت جای تقدیس آن را گرفت و به تبع آن، تغییرات کالبدی چشمگیری از منظر برون‌گرایی- درون‌گرایی، محوربندی، موقعیت قرارگیری، تعداد طبقات کوشک و... در باغ‌های ایرانی به‌وجود آمد. بررسی‌ها حاکی از آن است که کوشک‌های ساسانی نسبت به اسلامی، بعد درون‌گرایی قوی‌تری نسبت به طبیعت پیرامونی داشته‌اند؛ با این حال، مرزبندی و تعریف حریمی مشخص برای باغ، با آغاز دوره اسلامی معنی و مفهوم می‌یابد. با گذر از دوران ساسانی به اسلامی، محوربندی و تقسیمات کلی پلان باغ‌ها از تقسیمات دوتایی به الگوی چهارباغ متحول و بر تعداد طبقات کوشک‌ها نیز افزوده شد.

کلیدواژه‌ها

باغ، بهشت، ساسانی، زرتشت، اسلام، مبانی نظری.

پرسش‌های پژوهشی

۱. مهم‌ترین تفاوت‌های کالبدی باغ‌های دوران ساسانی و اسلامی چیست؟
۲. اصلی‌ترین علل شکل‌گیری این تفاوت‌های کالبدی چیست؟
۳. مبانی نظری باغ‌سازی دوران ساسانی و اسلامی که براساس آموزه‌های اوستا و قرآن درخصوص بهشت آرمانی شکل گرفته است، چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد؟
۴. تأثیر مبانی‌های نظری متفاوت در شکل‌گیری شاخصه‌های مختلف کالبدی باغ‌سازی دوران ساسانی و اسلامی چگونه بوده است؟

مقدمه

باغ ایرانی همیشه در روح و خاطره‌های ازلی قوم ایرانی وجود داشته است. به قول آرتور آپهام پوپ، در گوشه ذهن هر ایرانی، باغی نهفته است (جواهریان ۱۳۸۳، ۱۰). در این عرصه، معمار با به‌کارگیری عناصر ثابت فیزیکی، معنایی رؤیایی و خیال‌پردازانه را مجسم کرده و آوای درون خود و بهشت آرمانی آیینش را به تصویر می‌کشد؛ به طوری که «پردیس این جهان در ایران، همواره مظهر سایه و ظل فردوس برین شناخته می‌شد» (نصر ۱۳۸۳، ۲۰۳). این پدیده مقدس که گویای نیازهای روزمره، کاربردی، معنایی و انتزاعی است، مستلزم بازاندیشی و بازشناسی در دو زمینه ماده و معنا و نیز پیوند آن‌ها به یکدیگر است. بازخوانی مفاهیم نهفته در بطن باغ‌های ایرانی، نیازمند شناخت آیین مذهبی و دیدگاه آن‌ها نسبت به طبیعت و شناخت شاخصه‌های اصلی بهشت آرمانی در هر یک از آن‌هاست؛ زیرا باغ‌های ایرانی در حقیقت، تجسم عینی و زمینی از بهشت آرمانی ادیان مختلف بوده‌اند.

عناصر ثابت و ارکان اصلی باغ‌سازی چون آب و گیاه و ساختمان، به‌عنوان ماده اصلی تجسم‌بخشی کالبدی به باورهای مذهبی در راستای خلق بهشتی آرمانی روی زمین بوده‌اند. این عناصر ثابت با تغییر عقاید مذهبی و باورهای دینی در قالب الگوهای متفاوتی به منصه ظهور درآمده‌اند. همین تفاوت‌های کالبدی دلیلی محرز بر نقض باورهایی نادرست مبنی بر ثبوت و تداوم هویتی و ساختاری باغ ایرانی در طول زمان است.

متن حاضر تلاشی است در راستای بررسی تحولات کالبدی و الگوی باغ‌سازی در گذر از دوران ساسانی به اسلامی و تأثیر باورهای زرتشتی و اسلامی در شکل‌گیری این تفاوت‌ها. در این باره، ابتدا به بررسی تفاوت‌های کالبدی موجود میان آثار این دو دوره، از قبیل درون‌گرایی و برون‌گرایی، سلسله‌مراتب دسترسی به باغ، موقعیت قرارگیری و تعدد طبقات کوشک، موقعیت مکانی باغ و... پرداخته و در ادامه، به بیان دلایل این تمایزات بر مبنای اصول نظری و اعتقادات مذهبی مرتبط با بهشت آرمانی می‌پردازیم. بر این اساس، حکمت شکل‌گیری الگوهای نسبتاً متفاوت باغ‌سازی دوران ساسانی و اسلامی مشخص می‌شود.

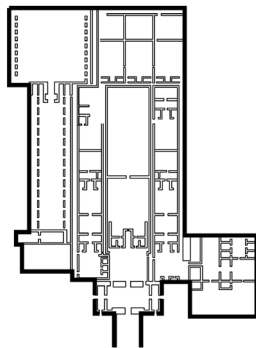
در باره مصادیق باغ‌های ساسانی و باغ‌های اسلامی مورد بررسی گفتنی است که اگرچه از باغ‌های دوران ساسانی اثر در خور توجهی به‌جای نمانده است، می‌توان الگوی کلی و ویژگی‌های هندسی - فضایی آن‌ها را از معدود کاخ‌ها و حتی معابد بزرگ آن دوران استخراج و بازسازی کرد. در این تحقیق، مهم‌ترین باغ‌های ساسانی مورد بررسی، کاخ باغ‌های مهم سروستان و عمارت خسرو و کاخ فیروزآباد (بنا بر تفسیر مرحوم پیرنیا که آن را کاخ اردشیر می‌نامد) انتخاب شده‌اند. از میان معابد و آتشکده‌ها هم نمونه‌هایی همچون تخت سلیمان می‌تواند از این زاویه نیز بررسی شود؛ در حالی که گمان‌های قابل‌اعتنایی در تایید آتشکده بودن فیروزآباد وجود دارد. در بیشتر این بناها از نظام سازماندهی میانسرا و پیرامون ساختمان می‌توان الگوی کلی طبیعت‌گرایی و باغ‌سازی درونی و بیرونی ساختمان را شناخت و تحلیل کرد. باید توجه داشت گمان باغ بودن معابد ساسانی از آن جهت دنبال شده که در آن‌ها حساسیت طبیعت‌گرایانه ویژه‌ای وجود دارد. مصادیق بررسی شده در کنار یک چشمه آب و در یک موقعیت توپوگرافی مهم و با چشم‌اندازهای بیرونی قابل‌اعتنا شکل گرفته‌اند. به همین سبب، واکنش معمار در این معابد نسبت به طبیعت اهمیت

ویژه می‌یابد. در حقیقت، باغ معبد ساسانی حاصل پارادوکسی از طبیعت‌گرایی و طبیعت‌گریزی است که در مباحث بعد، دقیق‌تر بررسی خواهند شد. در خصوص باغ‌های دوران اسلامی، با توجه به نمونه‌های زیاد باقی‌مانده، هیچ‌یک از این ابهامات مصداقی وجود ندارد و از میان آن‌ها، چند کاخ مهم و اصیل همچون باغ فین و باغ هشت بهشت می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند. همین وسعت شواهد موجود ما را از مراجعه به گونه‌های نادرتر باغ‌های آیینی ایرانی اسلامی همچون باغ مزارها و... بی‌نیاز می‌کند.

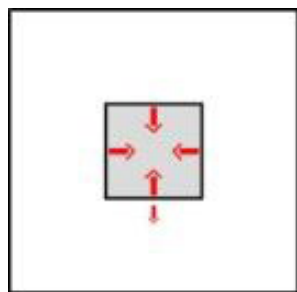
۱. بررسی تطبیقی درون‌گرایی و برون‌گرایی باغ‌های دوران ساسانی و اسلامی

بررسی مصادیق مختلف باغ‌سازی دوران ساسانی و اسلامی، حاکی از وجود تفاوت‌های کالبدی آشکار میان آثار این دو دوره، از منظر درون‌گرایی و برون‌گرایی کوشک نسبت به باغ و باغ نسبت به اطراف مجموعه است. تفاوت در درون‌گرایی و برون‌گرایی باغ‌های این دو دوره، در قالب موارد زیر قابل تبیین است:

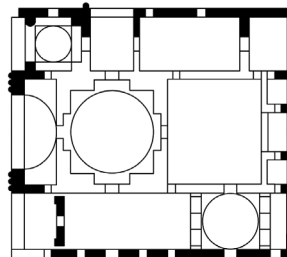
الف. اغلب کاخ‌ها و معابد^۱ دوران ساسانی به‌واسطه دیوارهایی قطور و عظیم که در بیشتر موارد، همچون دیوار دژ و فاقد بازشو و گشودگی هستند، درون‌گرا بوده و از طبیعت پیرامون خود جدا شده‌اند. در این ساختمان‌ها، اتاق‌ها عمدتاً گسسته از محوطه هستند و بازشوه‌های آن‌ها چه از داخل و چه از خارج، از قاعده‌های زیبایی‌گرایانه طبیعت‌گرایانه منظری تبعیت نمی‌کنند. درون‌گرایی و گسست میان ساختمان کاخ/ معبد و باغ در بسیاری از آثار این دوران، از جمله عمارت خسرو، آتشکده فیروزآباد و تخت سلیمان، کاملاً مشهود است (تصاویر ۲-۳). در این بناها دیواری صلب، دورتادور اتاق‌های کاخ/ معبد را فراگرفته و مجموعه‌ای کاملاً درون‌گرا به‌وجود آورده است. تنها ارتباط این کوشک‌ها با محیط اطراف از طریق ایوانی است که در بیشتر مواقع مشرف بر سکویی وسیع است. با وجود این، در برخی از آثار از قبیل باغ-کاخ سروستان، شاهد گشودگی‌های متعددی در بدنه کوشک هستیم (تصویر ۱). باوجود بازشوه‌های متعدد، این کاخ بعد درون‌گرای قوی‌تری در قیاس با برون‌گرایی دارد؛ زیرا این گشودگی‌ها صرفاً به‌عنوان فضای دسترسی بوده و برخلاف کوشک‌های دوران اسلامی، با ابعاد محدودشان ارتباط بصری چندان قوی با محیط پیرامونی برقرار نمی‌کنند.



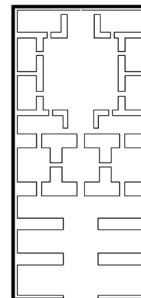
تصویر ۲: کاخ عمارت خسرو، این ساختمان به‌واسطه دیوارهای صلب پیرامون و ابعاد و اندازه محدود بازشوها، کاملاً درون‌گراست. منبع: بوسایی ۱۳۸۳، ۴۸



تصویر ۴: الگوی کلی باغ‌سازی دوران ساسانی از منظر درون‌گرایی و برون‌گرایی کاخ نسبت به باغ



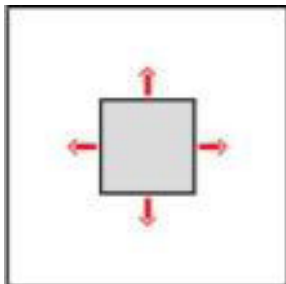
تصویر ۱: کاخ سروستان؛ تعداد گشودگی‌های این کاخ در قیاس با مصداق قبلی بیشتر است؛ اما ابعاد محدود بازشوها و ارتباط بصری ضعیف با اطراف، تأثیر چندانی بر برون‌گرایی آن ندارد. می‌توان اظهار کرد که این ساختمان بعد درون‌گرای قوی‌تری نسبت به برون‌گرایی دارد. منبع: بیر ۱۳۸۵، ۱۴۱



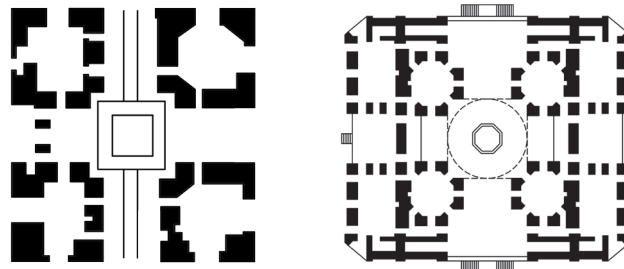
تصویر ۳: آتشکده فیروزآباد؛ این ساختمان به‌واسطه دیوارهای صلب پیرامون و ابعاد و اندازه محدود بازشوها، کاملاً درون‌گراست. منبع: بوسایی ۱۳۸۳، ۴۰

علی‌رغم باغ- کاخ‌ها و باغ- معابد دوران ساسانی، در دوران اسلامی کوشک‌ها به‌واسطه گشودگی‌های فراخ، ارتباط بسیار تنگاتنگی با طبیعت پیرامونی برقرار کرده و محیط را به درون خود راه می‌دهند. در این دوران، تفکیک و ایجاد گسست میان فضای درون و برون توسط دیوارهای پیرامونی مفهومی نداشته و گشودگی‌های متعدد و فراخ رو به باغ، زمینه امتزاج باغ و کوشک را فراهم آورده‌اند. باغ هشت‌بهشت یکی از زیباترین باغ‌های دوران اسلامی است که کوشک آن با گشودگی از چهار طرف کاملاً برون‌گراست.^۲ این کوشک دو طبقه که دارای سه ایوان در سه ضلع است، با گشودگی‌ها و ایوان‌های رو به باغ، طبیعت را به فضای داخل راه داده و گویی بهشتی کوچک‌تر در فضای اقامت انسان (کوشک) خلق کرده است. این امر با تعبیه آب‌نمای میانی تشدید شده است (تصویر ۵). الگوی ارتباطی کوشک و طبیعت در باغ‌های دوران اسلامی متغیر است؛ به‌طوری‌که «بهره‌گیری از طراحی ارگانیک‌تر و همسان‌تر با طبیعت، در باغ‌سازی قصر شیراز نسبت به قصر قجر وجود دارد، به‌گونه‌ای که باغ تخت طبق الگوهای ارتباطی میان باغ و طبیعت، دارای الگوی **باطبیعت** است؛ اما باغ قصر قجر برخلاف بسیاری از باغ‌های ایرانی به الگوی **برطبیعت** نزدیک شده است» (اعتمادی‌پور و بهرامیان ۱۳۹۱، ۹۶).

باغ فین از دیگر باغ‌های دوران اسلامی است که کوشک اصلی آن دارای دو طبقه بوده و با گشودگی‌هایی که هم‌راستای درهای ورودی است، کاملاً برون‌گراست. در اینجا نیز شفافیت بارزی از تمامی اتاق‌های هر دو طبقه به باغ وجود دارد. عرض وسیع راه باغ هرگز توسط ساختمان قطع نشده و از میان ساختمان تا سوی دیگر باغ به همراه نهر عریض و حوض وسیع میانی نشان از امتداد طبیعت به درون ساختمان دارد. به‌راستی این کوشک به هیچ وجه امتداد طبیعت و حرکت درون باغ را قطع نکرده و حتی بر سکوی بلند نیز قرار ندارد و این‌همه سبب تفاوت بارز بین این باغ با باغ‌های ساسانی قبل از اسلام دارد. به‌نظر می‌رسد غلط نباشد اگر بگوییم خصلت طبیعت‌گرایی این کوشک، به باغ‌های ژاپنی بیش از باغ‌های اسلامی شبیه است (تصویر ۶).



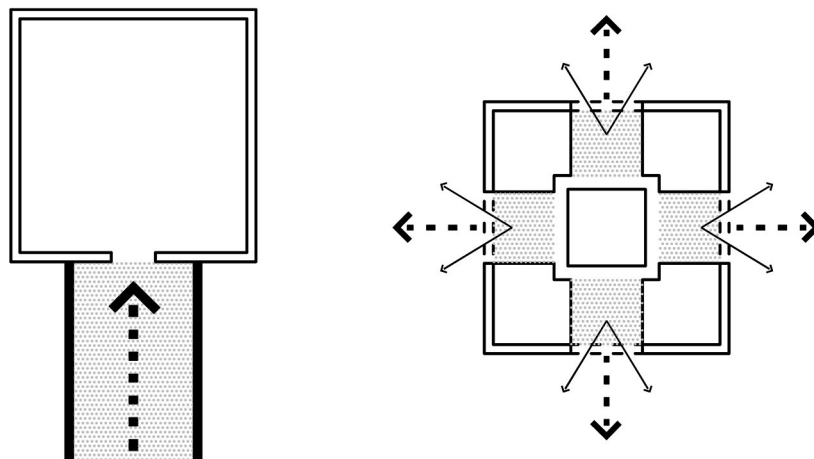
تصویر ۷: الگوی کلی باغ‌سازی دوران اسلامی از منظر درون‌گرایی و برون‌گرایی کوشک نسبت به باغ



تصویر ۵: کوشک هشت‌بهشت اصفهان و فین کاشان، منبع: URL۱. تصویر ۶: این کوشک‌ها با گشودگی‌های وسیع چهار طرفه به سوی باغ کاملاً برون‌گرا هستند، منبع: URL۲

ب. در بیشتر کاخ‌های دوران ساسانی، ایوان رو به باغ تنها گشودگی و مسیر دسترسی به ساختمان است. ایوان از نظر کارکردی به دو گروه تقسیم‌بندی می‌شود: نخست ایوان‌هایی که به‌عنوان یک فضای اصلی از آن‌ها استفاده می‌شود؛ دوم ایوان‌هایی که نقش یک فضای رابطه را بر عهده دارند. این ایوان‌ها نیز ممکن است بین حیاط و یک فضای محصور یا میان یک فضای معماری و یک فضای شهری رابط باشند. ایوان‌های رابط را اغلب پیش‌طاق نیز می‌نامیدند (سلطان‌زاده ۱۳۷۷، ۱۴۴). با بررسی مصادیق ساسانی می‌توان اظهار داشت که ایوان و فضای نیمه‌باز با عرض نسبتاً کم که در کنار فضاهای اصلی شکل گرفته است، برای تنظیم پیوند بین انسان با طبیعت اصالت ندارد و صرفاً به‌عنوان یک مسیر عبوری عمل می‌کند و بر طبق تقسیم‌بندی‌های مذکور می‌توان آن‌ها را در دسته دوم (فضای ارتباطی) جای داد^۳ (تصویر ۸). در نگاه اول و با مینا قراردادن خانه‌ها و قصرهای بعد از اسلام انتظار می‌رفت که ایوان‌های بزرگی در اطراف حیاط‌های درونی، برای بهره‌مندی از طبیعت وجود داشته باشد؛ درحالی‌که چنین نیست. برخی از این کاخ‌ها نظیر عمارت خسرو، فاقد ایوان رو به حیاط هستند. برخی آثار از جمله کاخ سروستان نیز دارای ایوانی رو به حیاط درونی هستند که در کنار فضای اصلی قرار نگرفته است.

در دوران اسلامی، ایوان علاوه بر تأمین دسترسی، به‌عنوان یکی از اندام‌ها و عناصر اصلی کوشک مطرح شد. در تقسیم‌بندی مذکور، این ایوان‌ها در دسته نخست (ایوان به‌عنوان فضای اصلی) جای می‌گیرند. برخلاف دوران ساسانی، ایوان‌های متعدد رو به باغ، زمینه دسترسی و ارتباط بصری کاربران با طبیعت اطراف را فراهم می‌کند (تصویر ۹).



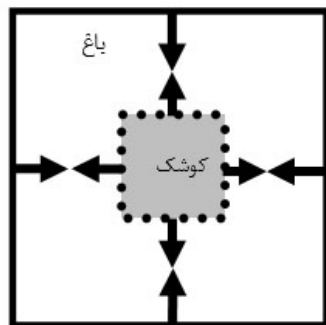
تصویر ۹: موقعیت ایوان در کوشک‌های دوران اسلامی. در کوشک‌های دوران اسلامی ایوان‌های متعدد علاوه بر تأمین دسترسی، به‌عنوان یکی از اندام‌های اصلی مطرح بوده و منظری زیبا رو به باغ را نیز فراهم می‌آورند.

تصویر ۸: موقعیت ایوان در کاخ‌های ساسانی. تقریباً تمامی کاخ‌های دوران ساسانی (به‌استثنای برخی موارد) از این الگو تبعیت می‌کنند و ایوان در آن‌ها فقط نقش یک فضای عبوری را دارد.

ج. درون‌گرایی و برون‌گرایی باغ نسبت به زمین‌های اطراف، از دیگر موارد ایجاد تمایز میان الگوی باغ‌سازی ساسانی و اسلامی است. در دوران ساسانی، با وجود ارتباط میان کاخ/ معبد و باغ که ارتباطی گسسته است، عدم وجود حایل و مرزی مشخص در اطراف مجموعه، باعث امتزاج حریم‌ها شده و رابطه‌ای پیوسته میان باغ و زمین‌های اطراف به‌وجود آورده است (تصویر ۱۰).

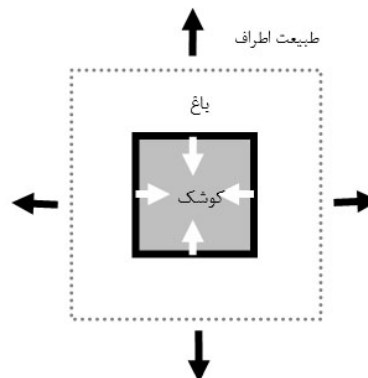
برخلاف الگوی رایج در دوران ساسانی، درون‌گرایی و محرمیت یکی از اصول مهم در طراحی و ساخت باغ‌های اسلامی است^۴ که گاه با دیوارهای بلند و قلعه‌ها، گاه با چینه‌ای کوتاه و گاه حتی با دیوارهای مشبک تأمین شده است و هر بار روش‌های مورد استفاده بسته به اقلیم محل و میزان امنیت و زمان ساخت تغییر کرده است. دیوارهای پیرامونی و سردرها مهم‌ترین عناصر به‌کاررفته برای تعریف حریم باغ‌های دوران اسلامی بوده‌اند (نورانی ۱۳۸۷). این حریم‌ها گسستی آشکار میان باغ و محوطه اطراف آن به‌وجود آورده و آن را نسبت به اطرافش کاملاً درون‌گرا کرده است (تصویر ۱۱).

طبیعت اطراف



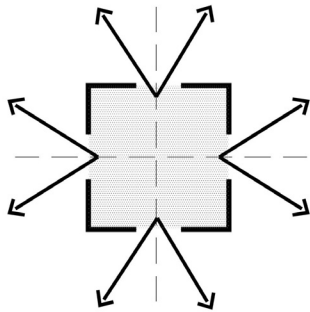
تصویر ۱۱: الگوی کلی روابط میان کوشک، باغ و اطراف مجموعه باغ‌های اسلامی

طبیعت اطراف

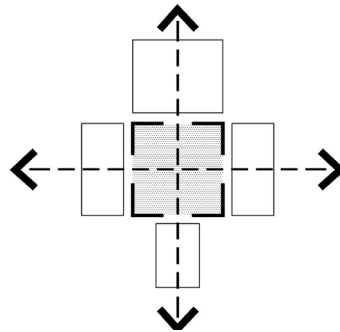


تصویر ۱۰: الگوی کلی روابط میان کاخ/ معبد، باغ و اطراف مجموعه باغ‌های ساسانی

د. یکی از الگوهای مشترک تبیین پذیر برای باغ- کاخ‌ها و باغ- معابد ساسانی، گنبدخانه تنگ و تاریک، دارای چهار بازو محوری و محدود و با عرض کمتر از دو متر است که فقط نقش معبر را ایفا کرده‌اند و برخلاف بازوهای کوشک‌های دوران اسلامی، فضایی برای نشستن و بهره‌مندی از چشم‌انداز طبیعی را فراهم نمی‌آورند.^۵ تقریباً در تمامی مصادیق دوران ساسانی، گنبدخانه اصلی ساختمان، فضایی نسبتاً تاریک است که این ایوان‌ها عمدتاً از یک سو به ایوان و سمت دیگر به حیاط روبازی ختم می‌شوند که توسط اتاق‌های پیرامونی محصور شده است (تصویر ۱۲). برخلاف این ساختار، گشودگی‌های چهارطرفه کوشک‌های دوران اسلامی علاوه بر ایجاد فضای دسترسی، دیدی بسیار زیبا رو به باغ ایجاد می‌کنند (تصویر ۱۳).



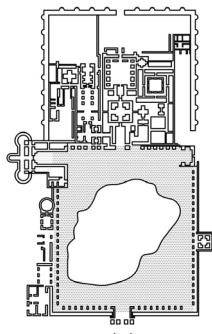
تصویر ۱۳: الگوی فضای اصلی کوشک‌های دوران اسلامی و گشودگی‌های موجود در بدنه این فضا عموماً از یک سو به حیاط اندرونی، از طرفین به فضاهای سرپوشیده و از یک سمت به ایوان ختم می‌شود و فقط نقش معبر دارند.



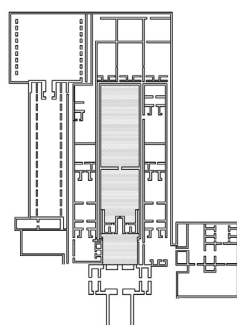
تصویر ۱۲: الگوی فضای اصلی کاخ-باغ و باغ-معبد دوران ساسانی؛ گشودگی‌های موجود در بدنه این فضا عموماً از یک سو به حیاط اندرونی، از طرفین به فضاهای سرپوشیده و از یک سمت به ایوان ختم می‌شود و فقط نقش معبر دارند.

ه از دیگر الگوهای مرتبط با مقوله درون‌گرایی و برون‌گرایی می‌توان به حیاط‌های درونی کاخ- باغ‌ها و باغ- معابد ساسانی اشاره کرد. این ساختمان‌ها رابطه خود را با طبیعت در قالب یک حیاط درونی و یک محوطه بیرونی تنظیم می‌کنند؛ حیاط‌های مرکزی در بسیاری از آثار از قبیل کوشک سروستان، کاخ فیروزآباد، عمارت خسرو و... قابل مشاهده است. کاخ سروستان در قسمت جنوب شرقی شامل مجموعه اتاق‌هایی رو به حیاط مرکزی است که کاملاً درون‌گراست. در عین حال، اتاق‌های پیرامونی با تقسیمات سه‌تایی، کاملاً مستقل بوده و علاوه بر ارتباط با اتاق‌های مجاور، به فضای بیرون نیز دسترسی دارند (تصویر ۱۴).

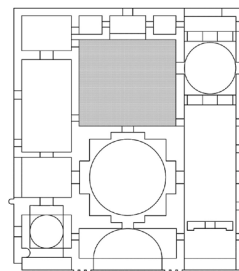
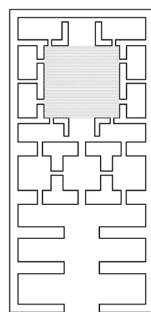
عمارت خسرو نیز همانند کاخ فیروزآباد از بخش‌های خصوصی و عمومی تشکیل شده بود. پشت اتاق گنبددار یک صحن ستون‌دار با ایوانی بزرگ قرار داشت. خانه‌های اختصاصی تشکیل شده بود از تعدادی خانه‌های سنتی حیاط‌دار و واحدهای مسکونی ساده و نسبتاً کوچک که معمولاً تنها یک ایوان به سمت شرق داشت (هرمان ۱۳۷۳، ۱۴۷) (تصویر ۱۵-۱۶). باغ- معبد تخت سلیمان نیز دارای حیاط درونی به شکل مستطیل و به ابعاد ۵۰×۲۵۰ متر است که دورتادور دریاچه و آتشکده را فرا گرفته است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷: (منبع: URL3)



تصویر ۱۵: (منبع: بوسایلی ۱۳۸۳، ۴۰) تصویر ۱۶: (منبع: بوسایلی ۱۳۸۳، ۴۸)



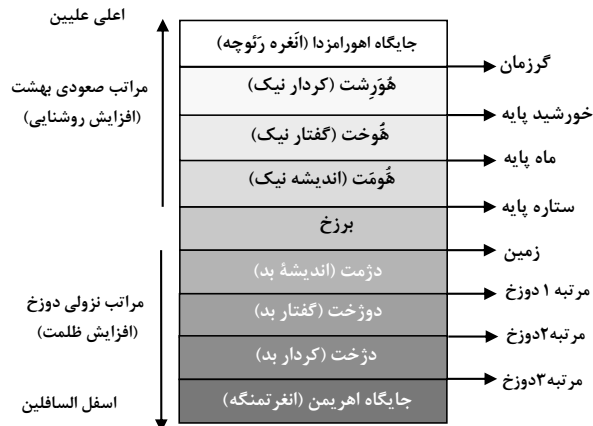
تصویر ۱۴: (منبع: بیر ۱۳۸۵، ۱۴۱)

تصاویر ۱۴-۱۷: نمایش حیاط‌های درونی در کاخ سروستان، کاخ فیروزآباد، عمارت خسرو، باغ- معبد تخت سلیمان

همان‌طور که می‌دانیم حیاط درونی یکی از اندام‌های اصلی بسیاری از ابنیه، از قبیل مساجد و خانه‌های دوران اسلامی به‌شمار می‌آید و درون‌گرایی و محرمیت بنا در سایه آن تأمین می‌شود. با وجود این، چنین عنصری در کوشک‌های دوران اسلامی جایگاهی نداشته و و رابطه بنا و طبیعت معطوف به ارتباط میان کوشک و باغ اصلی می‌شود. رویکردهای متفاوت در بهره‌گیری از حیاط‌های درونی و نحوه تعریف ارتباط با طبیعت، موجب ایجاد تمایزی بارز از منظر درون‌گرایی و برون‌گرایی میان کاخ-باغ‌ها و باغ-معابد دوران ساسانی و کوشک‌های دوران اسلامی شده است.

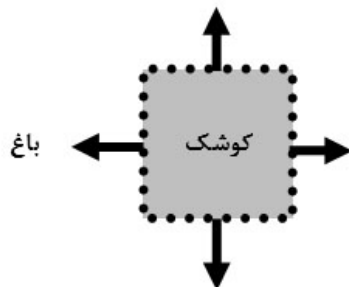
۱-۱. بررسی تطبیقی مبانی نظری مرتبط با مقوله درون‌گرایی و برون‌گرایی در آیین زرتشت و دین اسلام
 بررسی تطبیقی کاخ-باغ‌ها و باغ-معابد ساسانی و کوشک‌های اسلامی، حاکی از وجود تفاوت‌های کالبدی اساسی در آثار این دو دوره، از منظر درون‌گرایی و برون‌گرایی است. ریشه این تفاوت کالبدی را می‌توان در مبانی نظری و اعتقادی این دو دین جست‌وجو کرد. در دین زرتشت، انسان با تفکر و تعمق می‌تواند به شناخت خدا برسد، این در حالی است که اسلام طبیعت را به‌عنوان یکی از بهترین زمینه‌ها و بسترهای شناخت خدا معرفی می‌کند. کیش زرتشت مبتنی بر سه اصل است: هومت (اندیشه نیک)، هوخت (گفتار نیک)، هورشت (کردار نیک). مطابق کتاب اوستا، در بهشت برای به‌کار بستن هریک از تعالیم مزبور، مقام و مرتبه ویژه‌ای معین شده که با نام‌های هومتگاه (جای اندیشه نیک)، هوخت‌گاه (جای گفتار نیک) و هورشت‌گاه (جای کردار نیک) ذکر شده است (مینوی خرد ۱۳۵۴، ۷۳). بهشت نخست از ستاره پایه تا ماه پایه، جایگاه اندیشه نیک، بهشت دوم از ماه پایه تا خورشید پایه، جایگاه گفتار نیک و بهشت سوم از خورشید پایه تا گرزان، آنجا که آفریدگار اورمزد برنشیند، جایگاه کردار نیک است (همان، ۲۲). روان نیکوکار پس از طی مراحل و داخل شدن در سه طبقه بهشت به فضای فروغ بی‌پایان و روشنایی مطلق می‌رسد که در اوستا به «انگره رتوجه» معروف است و معنی آن روشنایی بی‌پایان است.
 اندیشه نیک اساس تعالی به جایگاهی والاتر و بنیان رستگاری در گات‌های اوستاست. زرتشت پایه عروج به جایگاه اهورایی‌اش را مدیون شناختی درست از آفریدگار (اهورامزدا) می‌داند. «اندیشه نیک بر من وارد شد و مرا آموخت که بهترین راه بالندگی مینوی اندیشیدن در آرامش است» (هات ۴۳). همچنین در جایی دیگر آمده است که «مردم خردمند و خرسند در برابر اهریمن کمتر آسیب‌پذیر می‌باشند». به علاوه «هر انسانی که از خرد بهره بیشتری دارد، بهره‌اش از بهشت بیشتر است» (مینوی خرد ۱۳۵۴، ۵۵-۵۷).^۶

نمودار ۱: مراتب بهشت و دوزخ در دین زرتشت. بر طبق این نمودار، بهشت متشکل از چهار مرتبه است که از ستاره پایه آغاز می‌شود و تا جایگاه اهورامزدا (اعلی‌علین) ادامه می‌یابد. دوزخ نیز از چهار لایه تشکیل یافته که از زمین آغاز شده و تا جایگاه اهریمن (اسفل‌السالفین) تنزل می‌یابد.

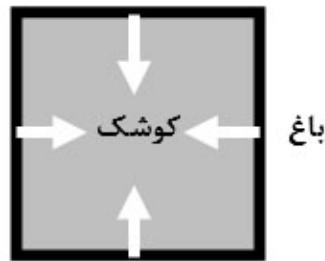


تفکر اساس و بنیان تعالی و عروج به جایگاه اهورامزدا در دین زرتشت، است. این اعتقاد می‌تواند دلیل راسخی بر درون‌گرایی فضای اصلی کوشک‌های ساسانی باشد. معمار این دوره به‌واسطه دیوارهای صلب پیرامونی، بازشوهایی با ابعاد محدود و گنبدخانه تنگ و تاریک و درون‌گرا، بستری مناسب برای سیر در انفس و تفکر برای تعالی و عروج به جایگاه والاتر را فراهم می‌آورد.

این در حالی است که در دین اسلام، طبیعت بستری مناسب برای خداشناسی است و در قرآن کریم، آیات بسیاری درخصوص خداشناسی از طریق علم وجود دارد. در این آیات، خداوند به‌تکرار، به اجزای طبیعت اشاره می‌کند و هریک را آیه و نشانه‌ای از وجود لایزال خود می‌داند. از بزرگ‌ترین جزء کائنات تا ریزترین ذره، همه و همه را دل‌هایشان بینش و هوش باید یا گوششان (به پند و اندرزها) شنوا گردد... (حج: ۴۶)^۷ و با عباراتی امری و پرسشی، انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد که در آفاق و انفس، تعمق و تفکر کند و همواره کسانی را که نسبت به آیات و نشانه‌های او بی‌توجه‌اند، شماتت می‌کند و می‌فرماید: چه بسیار نشانه و آیه که در آسمان‌ها و زمین وجود دارد، (انسان‌ها) از آن می‌گذرند و (بی‌توجه) به آن پشت می‌کنند (یوسف: ۱۰۵).^۸ این برون‌گرایی و شفافیت نسبت به طبیعت که به‌واسطه تعبیه ایوان‌هایی فراخ، گشودگی‌های متعدد و بزرگ و... در معماری کوشک محقق شده است، تلاشی است از سوی معماری برای بسترسازی تعمق و تفکر در طبیعت و آیات الهی برای شناخت هرچه بهتر و بیشتر خداوند.



تصویر ۱۹: مدل ترسیم‌شده بر مبنای الگوی کلی درون‌گرایی و برون‌گرایی کوشک نسبت به باغ در کوشک‌های دوران اسلامی



تصویر ۱۸: مدل ترسیم‌شده بر مبنای الگوی کلی درون‌گرایی و برون‌گرایی کاخ/ معبد نسبت به باغ در کوشک‌های ساسانی

درون‌گرایی و برون‌گرایی کوشک نسبت به طبیعت اطراف، از این منظر نیز قابل بررسی است که در دین اسلام، انسان نشئت‌یافته از طبیعت است و امکان برترآمدن از آن را دارد. این دیدگاه برخلاف دیدگاه زرتشتی که طبیعت را مقدس شمرده و بر تفکیک حریم انسان و طبیعت اعتقاد دارد، دین اسلام به طبیعت به دیده احترام می‌نگرد و به از میان بردن مرزها به‌منظور حضور هرچه بیشتر انسان در طبیعت و آشنایی با قدرت الهی به‌منظور شناخت هر چه بهتر آفریدگارش تأکید می‌کند. این امر در معماری کوشک‌های دوران اسلامی، به‌واسطه ایوان‌های فراخ، گشودگی‌های متعدد و... محقق شده و طبیعت به‌نوعی در فضای حضور انسان (کوشک) ادامه می‌یابد.^۹ این اختلاف با بررسی تطبیقی مینیاتورهای دوران ساسانی و اسلامی، به‌خوبی هویدا می‌شود؛ به‌طوری‌که در مینیاتورهای دوران ساسانی، اثری از انسان نیست؛ اما در مینیاتورهای دوران اسلامی، انسان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابژه‌ها در صحنه حضور می‌یابد (تصاویر ۲۰ و ۲۱).



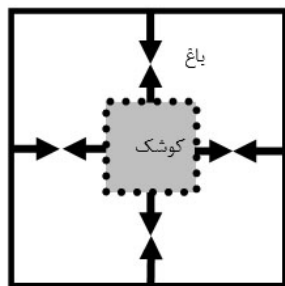
تصویر ۲۰: نمونه‌هایی از آثار نگارگری دوران اسلامی با موضوع طبیعت و بهشت آرمانی. تصویر ۲۱: نمونه‌هایی از آثار نگارگری دوران ساسانی. تصاویری از قسمتی از داستان‌های هفت اورنگ جامی، گالری هنری فریر. بر خلاف آثار دوران ساسانی، در مینیاتورهای طبیعت دوران اسلامی، انسان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین سوژه‌ها در میان باغ به چشم می‌خورد.

یکی دیگر از تفاوت‌های کالبدی آشکار میان باغ‌سازی این دو دوران، درون‌گرایی و برون‌گرایی کل مجموعه نسبت به زمین‌های اطراف است که از منظر مبانی نظری و باورهای اعتقادی این دو دین، توجیه‌پذیر است. در آیین زرتشت، طبیعت مقدس است و هر نوع دستبرد و تحریف در آن پذیرفتنی نیست. در این آیین، انسان متعلق و مادون و هم‌تراز طبیعت (تقدس طبیعت و عدم بهره‌برداری لازم از عناصر و اجزای طبیعی مجاز نیست. طبق این اعتقاد، تعریف حریمی مشخص برای باغ و محصور و محدود کردن آن، نوعی بی‌احترامی و دستبرد در طبیعت به‌شمار می‌آمده است (تصویر ۲۲).

درون‌گرایی، برون‌گرایی و محرمیت باغ‌های دوران اسلامی، تابعی از توصیفات قرآنی درباره بهشت برین بوده است. در سوره زمر، آیه ۷۳ با ذکر باغ‌های بهشتی به این نکته اشاره می‌شود که در هنگام ورود نیکوکاران، درهای بهشت گشوده می‌شود و نگهبانان به آن‌ها می‌گویند: «سلام بر شما!... داخل بهشت شوید و جاودان بمانید» (مکارم شیرازی ۱۳۵۳، ۵۵۳) این امر اشاره دارد که باغ‌های بهشتی دارای درهای گوناگونی هستند که در باغ‌سازی ایرانی، به‌صورت محصوریت کالبدی به نمایش درمی‌آید. علاوه بر این، قرآن کریم در چهار آیه به درهای بهشت می‌پردازد که در سوره رعد آیه ۲۳، به داخل شدن بهشتیان از هر درب اشاره شده است. همچنین تفسیر اطیب البیان، هشت درب بهشت را به هشت بهشت تفسیر می‌کند که هر یک از بهشتیان، براساس مرتبت روحانی و درجات ایمان و پرهیزکاری از یکی از آن‌ها وارد می‌شوند.

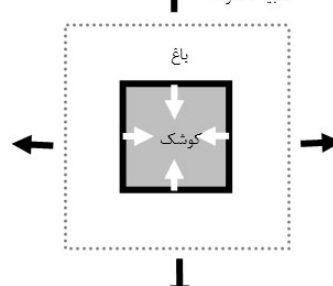
در ساخت و طراحی باغ‌های بهشتی، شاهد دیوارهای بلندی هستیم که شکل‌دهنده فضای محرم درون هستند و در دل این فضای درونی است که عمارت و کوشک‌ها به نحوه بارزتری شکل گرفته‌اند؛ زیرا حصار بیرونی، حریم امن درونی را فراهم آورده است (سیفیان و محمودی ۱۳۸۶، ۱۱) (تصویر ۲۳).

طبیعت اطراف



تصویر ۲۳: مدل معماری ترسیم‌شده برای محصوریت باغ و کوشک بر مبنای دیدگاه اسلامی نسبت به طبیعت و ارتباط انسان-طبیعت

طبیعت اطراف

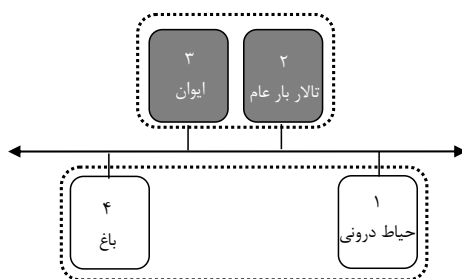


تصویر ۲۲: مدل معماری ترسیم‌شده برای محصوریت باغ و کاخ/معبد بر مبنای دیدگاه زرتشت نسبت به طبیعت و ارتباط انسان-طبیعت

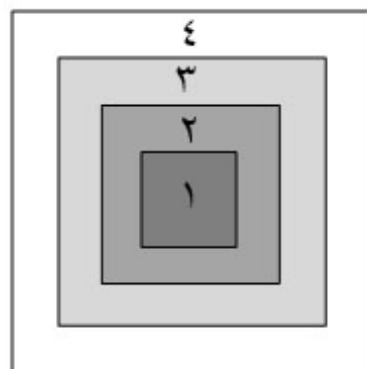
حیاط‌های درونی از دیگر اختلافات کالبدی کاخ- باغ‌های ساسانی و کوشک‌های اسلامی است که بر طبق توصیفات اوستا و مینوی خرد، بهشت دارای سلسله‌مراتبی است؛ مرتبهٔ اعلیٰ علین جایگاه اهورامزدا است و در مقام چهارم قرار دارد. «آن چهار بهشت و چهار مرحله، چهار طبقه‌اند که مراتب گوناگون طولی دارند و احتمالاً اگر بخواهند بازسازی شوند، باید باغی سه یا چهار مرحله‌ای ایجاد می‌شده که چنین الگویی اگرچه در مفاهیم عرفا و فیلسوفان اسلامی هم مطرح است، اما هرگز تجلی کالبدی نیافت» (لبیب‌زاده، حمزه‌نژاد و خان‌محمدی ۱۳۹۰، ۸۵) بررسی مصادیق مختلف از باغ‌های دوران ساسانی نشان می‌دهد که سلسله‌مراتب مذکور، به‌خوبی در کالبد معماری آن‌ها رعایت شده است. در بیشتر موارد، سلسله‌مراتب خطی چهارگانه در محور اصلی رعایت شده است؛ این محور از هر دو طرف قرینه است و اوج آن در وسط با ترکیب هم‌وزن تالار و حیاط است. شاید بتوان این زوج را نماد زوجیت انسان و هستی یا روح و جسم یا... دانست.

آنچه میان مورخان و محققان و ایران‌شناسان معروف است، اینکه زرتشت ثنوی‌مذهب بوده و آیین او مبتنی بر دوگانه‌پرستی است. این نسبت را بدین سبب به زرتشت داده‌اند که به‌طور کلی، اشیاء در این آیین به دو نوع تقسیم می‌شوند: نوع خوب و نوع بد. تمام خوبی‌ها و خیرها یک مبدأ و یک ریشه دارند که به نام «اهورامزدا» یا «سپند مینو» نامیده شده است و تمام بدی‌ها و شرور هم مبدأ دیگری دارند به نام «هریمن» یا «انگره مینو» و منشی ناپاک و پلید و هرچه زشتی و پلیدی و تیرگی و سیاهی در جهان دیده می‌شود، زاده و آفریدهٔ اوست. طبق این نظریه، اهورامزدا و اهریمن رودرروی هم، هر دو آفریننده و خالق هستند (URL4).

«آموزش‌های اخلاقی زرتشت بر پایهٔ دوگانه‌گرایی^{۱۰} استوار است و تفاوت‌های اساسی که با آموزش‌های اوپانیشاد هندوان دارد، این است که در آنجا مردمان به ریاضت و روی گردانیدن از جهان و دوری از زندگی عملی فرا خوانده می‌شوند؛ حال آنکه در آیین زرتشت، همهٔ آموزش‌ها انگیزهٔ کوشش و کار و پای‌نهادن در راه پیشرفت زندگی است. یکی از اصول مهم این آیین، آموزش اختیار است؛ بنا بر این اصل، آدمی اختیار دارد که در زندگی از نیکی و بدی، یکی را برگزیند. بنا بر آموزش‌های زرتشت، بهترین راه در زندگی، میانه‌روی است» (دوستخواه ۱۳۷۱، ۴۳) حیاط درون نمادی از جایگاه اول، تالار بار عام مرتبهٔ دوم و ایوان نمادی از مرتبهٔ سوم است. باغ به‌عنوان نمادی از روشنایی مطلق و جایگاه اهورامزدا در مرتبهٔ چهارم جای می‌گیرد. لایهٔ ۱ و ۴ از یک جنس (طبیعت) و لایهٔ ۲ و ۳ از جنس دیگری است. این زوج‌ها ثنویتی ایجاد می‌کنند که نمادی است از اعتقاد زرتشتیان به دوگانه‌ها.



نمودار ۲: مدل معماری ترسیم‌شده براساس سلسله‌مراتب چهارگانه در محور اصلی و تفکیک فضاهای هم‌جنس



تصویر ۲۴: مدل معماری ترسیم‌شده براساس سلسله‌مراتب توصیفی برای بهشت آرمانی در آیین زرتشت

جدول ۱: بررسی تطبیقی ویژگی‌های کالبدی باغ‌های ساسانی و اسلامی از منظر درون‌گرایی- برون‌گرایی و مبنای نظری و مستندات دینی مرتبط با این مقوله در هر دو دین

دوره تاریخی	ویژگی کالبدی	مبنای نظری	مستندات دینی
ساسانی	درون‌گرایی کوشک نسبت به طبیعت اطراف (خلق فضایی درون‌گرا، مناسب برای تمرکز و سیر در انفس) به‌واسطه: - دیوارهای صلب پیرامونی - محدودیت در تعداد و ابعاد بازشوها - گنبدخانه و فضای اصلی تنگ و تاریک با بازشوهای کم‌عرض - تعریف ایوان به‌عنوان فضای ارتباطی صرف	اندیشه نیک اساس تعالی به جایگاهی والاتر و بنیان رستگاری است.	هر انسانی که از خرد بهره بیشتری دارد، بهره‌اش از بهشت بیشتر است (مینوی خرد، ۵۵-۵۷).
	برون‌گرایی باغ نسبت به زمین‌های اطراف (عدم دستبرد و تحریر در طبیعت) به‌واسطه: - عدم تعریف حریم و مرزی مشخص برای باغ	در آیین زرتشت، طبیعت مقدس است و در جایگاهی والاتر از انسان قرار دارد.	خواستار ستایش این آب‌ها و زمین‌ها و گیاهانم. خواستار ستایش این جاها و روستاها و چراگاه‌ها و خانمان‌ها. خواستار ستایش اورامزدا، دارنده این روستاهایم (دوستخواه ۱۳۷۱، ۱۰۵-۱۰۷).
	تعریف سلسله‌مراتب طولی چهارگانه در راستای محور اصلی و زوج مکمل‌های دوگانه زرتشت	اعتقاد به مراحل چهارگانه بهشتی و دوگانه‌پرستی در آیین زرتشت	بهشت نخست از ستاره پایه تا ماه پایه جایگاه اندیشه نیک، بهشت دوم از ماه پایه تا خورشید پایه، جایگاه گفتار نیک و بهشت سوم از خورشید پایه تا گرزمان، آنجا که آفریدگار اورمزد برتیشیند، جایگاه کردار نیک است (همان، ۲۲).
اسلامی	برون‌گرایی باغ نسبت به طبیعت پیرامونی به‌واسطه: - گشودگی‌های فراخ و شفافیت - گنبدخانه و فضای اصلی فراخ و روشن با بازشوهای عریض در ارتباط با طبیعت اطراف - ایوان‌هایی وسیع به‌عنوان فضای اصلی (اقامت) و ارتباطی	طبیعت جایگاه تأمل و اندیشیدن در قدرت خدا باغ محیطی محصور و مجموعه‌ای از عوامل صغیر و کبیر- مناسب برای تأمل در قدرت الهی (۱۰۵)	«و کأین من آیه فی السموات و الارض یمرن علیها و هم عنها معرضون»: چه بسیار نشانه و آیه که در آسمان‌ها و زمین وجود دارد (انسان‌ها) از آن می‌گذرند و (بی‌توجه) به آن پشت می‌کنند (یوسف: ۱۰۵)
	- تعریف حریم و مرزی مشخص برای باغ	باغ به‌عنوان نمادی از بهشت دارای درهای متعدد بوده و حریمی مشخص دارد.	در هنگام ورود نیکوکاران، درهای بهشت گشوده می‌شود و نگهبانان به آن‌ها می‌گویند: «سلام بر شما!... داخل بهشت شود و جاودان بمانید» (زمر: ۷۳)

۲. بررسی تطبیقی محوربندی و سامان‌دهی تقسیمات در پلان باغ‌های دوران ساسانی و اسلامی

به‌دلیل فقدان اسناد و مدارک کافی از آثار منظر دوران ساسانی، تبیین الگوی کلی تقسیمات باغ‌ها، بر مبنای تجزیه و تحلیل محوربندی‌ها و برداشت‌های کلی از آن صورت می‌گیرد.

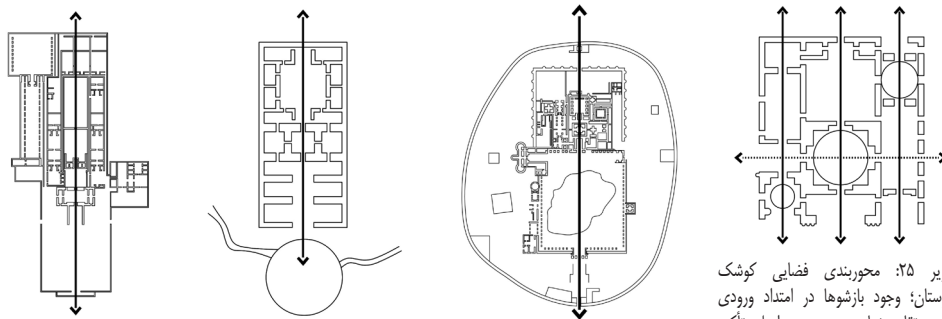
برخی از نویسندگان، باغ‌های ساسانی را نیز به‌عنوان باغ‌های چهاربخشی معرفی کردند. دانش‌دوست از جمله کسانی است که باغ‌های ساسانی را چهارباغ فرض می‌کند. «از دوره ساسانی به بعد، رسم بود که شکارگاه‌ها را به چهار قسمت تقسیم کنند. در وسط نوعی از عمارت ساخته می‌شد؛ در نتیجه، زمانی که ما باغ‌ها را در ایران یا سرزمین‌های تحت نفوذ مشاهده می‌کنیم، این تقسیم چهارگانه را درمی‌یابیم» (Daneshdust 1993).

برخی از نظریات در عین اینکه باغ‌های ساسانی را با الگوی چهارباغ می‌سنجد، پیشینه آن را به هخامنشیان و در

اصل به باورهای ایرانیان برمی گرداند. «باغ‌ها در کرت‌بندی‌های دقیقی سامان گرفت و سراسر قرینه‌سازی شد، چون که طرح آن پیشاپیش در ایران روزگار هخامنشی توسعه‌ی جانانه یافته بود. با پردیس‌های ساسانی، باغ‌نقش‌های باشکوه به خود گرفت که طرح‌های مند وار و کوشک‌هایی در ملتقای چهار خیابان داشت» (اردلان و بختیار ۱۳۸۰، ۶۸).

شکارگاه‌ها و باغ‌های ساسانی مانند تاق‌بستان، بیستون، تخت سلیمان، فیروزآباد و قصر شیرین، مبین چنین فرضیه‌ای نیست. بررسی مصادیق باغ‌سازی ساسانی نشان می‌دهد که در طراحی محوره‌های باغ، چندان اصراری بر ایجاد چهار باغ نیست و بازشوها سازگاری ارگانیک و آزادی دارند. محوره‌های باغ هم در سه جهت عمارت احتمالاً متعدد و غیر وابسته به یک سازمان‌دهی کلی بوده است و تنها در جبهه اصلی سازمان‌دهی کلی، قابل مشاهده است.

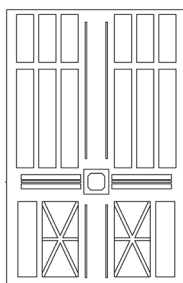
با بررسی بازشوهای اطراف حیاط کاخ سروستان به نظر می‌رسد وجود محوره‌های متعامد و شکل‌گیری چهار باغ در آن منطقی نباشد و تنها یک محور اصلی احتمالی در حیاط آن دیده می‌شود. از بعد بیرونی حجم کاخ نیز تنها در جبهه ورودی ایوان و تقارن و زیبایی‌شناسی حساب‌شده‌ای دیده می‌شود که نشان از محور باغ‌سازی جدی در مقابل آن دارد؛ ایوان‌ها و بازشوهای اطراف بنا چندان محوربندی قابل‌اعتنایی را در باغ محوطه نشان نمی‌دهد. با این حال یک محوربندی نسبی و نه‌چندان قوی متعامد و چهار باغی نه‌چندان تأکیدشده را می‌توان در محور میانه گنبد اصلی در محوطه‌سازی بیرونی باغ مشاهده کرد (تصویر ۲۵). در آتشکده فیروزآباد و مجموعه تخت سلیمان، برکه به شکل آزاد، مصادق بارزی بر عدم سازمان‌دهی محوطه و شکل‌گیری چهار باغ در محوطه اطراف یا مقابل باغ است؛ ضمن آنکه در حیاط میانی نیز محور اصلی به شکل قوی وجود دارد و عدم وجود محور متعامد یگانه بی‌اعتنایی به الگوی چهار باغ را که از خصایص باغ‌های دوره‌های بعد است، نشان می‌دهد (تصاویر ۲۶-۲۸).



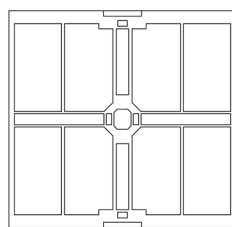
تصویر ۲۵: محوربندی فضایی کوشک سروستان؛ وجود بازشوها در امتداد ورودی اصلی و تقارن نما بر وجود محور اصلی تأکید دارد. با این حال، وجود یک محوربندی نسبی و نه‌چندان قوی متعامد در محور میانه گنبد اصلی در محوطه‌سازی بیرونی باغ دیده می‌شود. متعامد و چهارباغ نقض می‌شود.

تصاویر ۲۶-۲۸: محوربندی فضایی کوشک‌های تخت سلیمان، فیروزآباد و عمارت خسرو؛ با بررسی تقسیمات پلان و گشودگی‌های کوشک انطباق محور اصلی بر امتداد ورودی اصلی بنا ثابت شده و احتمال وجود دو محور متعامد و چهارباغ نقض می‌شود.

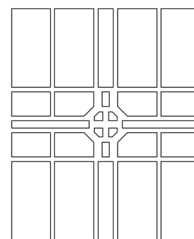
بسیاری از باغ‌های ایرانی پس از اسلام، با محوره‌های عمود بر هم (محوره‌های اصلی و فرعی) تقسیم‌بندی شده‌اند. در این دوران، حفظ تقارن اهمیت ویژه‌ای داشته است. الگوی اولیه باغ طبق نقشه‌های موجود توسط مسیرهای اصلی آب به چهار بخش تقسیم شده است و دو بخش بالا و پایین با یکدیگر قرینه هستند. سامان‌دهی تقسیمات در این دوره، از الگوی چهارباغ تبعیت می‌کند و محوره‌های حرکتی در آن‌ها قوی طراحی شده‌اند^{۱۱} (تصاویر ۲۹-۳۱).



تصویر ۳۱



تصویر ۳۰



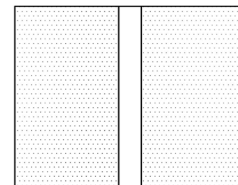
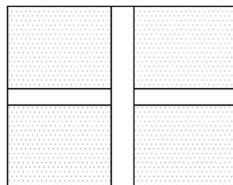
تصویر ۲۹

تصاویر ۲۹-۳۱: باغ‌های هشت بهشت، جهان‌نما و نظر؛ در این مجموعه‌ها تقسیمات چهاربخشی باغ به‌وسیله مسیرهای آب و کرت‌بندی‌ها مشهود است.

۱-۲. بررسی تطبیقی مبانی نظری مرتبط با مقوله محوربندی و تقسیمات پلان باغ

در بین پژوهشگران معاصر، تحقیقات مهوش عالمی و بازخوانی ارشاد الزراعه توسط ایشان، نظریه‌ای در زمینه الگوی چهارباغ در باغ‌های ساسانی مطرح می‌کند که بر تک‌محوری بودن باغ و طرح چهار باغ تأکید دارد و نه دو محوری بودن آن. این محقق ضمن تأکید بر مفاهیم دوتایی در اعتقادات زرتشتیان مبنی بر دو قسمتی بودن جهان^{۱۲} این نظریه را مطرح می‌کند و می‌گوید: «وقتی ارشادالزراعه را خواندم، به فکر افتادم شکل آنچه را توصیف شده است، ترسیم نمایم. بعد از ترسیم شکل آن، متوجه برخی تفاوت‌ها در تصور از چهار باغ گردیدم. به نظرم می‌آمد اصلاً لزومی ندارد که در چهار باغ حتماً دو تا محور وجود داشته باشد که همدیگر را قطع کنند تا بتوانند چهار رودخانه بهشت را تداعی کنند» (عالمی ۱۳۸۵، ۳۹-۴۰) همان‌طور که قبلاً نیز بدان اشاره شد، اساس دین زرتشت بر دوگانه‌پرستی و ثنویت استوار است. شهید مطهری در این باب می‌نویسد: «بدون شک زرتشتیان همچون مانویان و مزدکیان ثنوی مذهب بوده‌اند و این ثنویت را در دوره‌های بعد از طلوع اسلام نیز حفظ کرده‌اند. تنها در نیم‌قرن اخیر است که زرتشتیان دعوی توحید دارند و گذشته خود را یک‌باره انکار می‌کنند» (URL4) با اینکه در این آیین، همه اشیا به دو گروه خیر و شر، زیبا و زشت، هست و نیست و... تقسیم می‌شوند، آموزه‌های اوستا و آیین زرتشت کلید سعادت را در میانه‌روی و اعتدال می‌بیند.^{۱۳} تقسیم‌بندی پلان باغ‌های ساسانی به دو بخش و تأکید بر محور میانه می‌تواند ریشه در این اعتقادات داشته باشد (تصویر ۳۲).

باغ بهشت در قرآن کریم، علاوه بر توصیفات کلی حتی با دقیق‌ترین جزئیات معرفی شده است. در یک توصیف کلی، بهشت دو باغ بزرگ موازی با هم را یادآور می‌شود که در هر یک از این باغ‌ها دو باغ کوچک‌تر قرار دارند. تعداد کلی باغ‌های چهارگانه و باغ‌های کوچک‌تر یادآور طرح چهار باغ و مدوله شدن آن در باغچه‌های کوچک‌تر است. بهشت در سوره الرحمن به صورت چهار باغ به شکل ویژه «دو باغ درون دو باغ»^{۱۴} معرفی شده است. همچنین در قرآن کریم، نهرهای چهارگانه بهشتی وصف شده‌اند که اساس هندسه باغ ایرانی به صورت چهار باغ و چگونگی معماری و مسیر حرکت آب در آن است (لیبب‌زاده، حمزه‌نژاد و خان‌محمدی ۱۳۹۰، ۸۳) (تصویر ۳۳).



تصویر ۳۲: مدل ترسیم‌شده از محوربندی باغ بر مبنای آموزه‌های اوستا؛ براساس این آموزه‌ها همه چیز در دنیا دوگانه بوده و نیکی و بدی، خوب و زشت، هستی و نیستی و... در کنار یکدیگر مفهوم می‌یابند. اساس سعادت از دید اوستا، میانه‌روی و اعتدال در بین این دو محدوده است.

تصویر ۳۳: مدل محوربندی باغ مبنی بر آیات قرآنی در توصیف بهشت؛ بر مبنای توصیفات مذکور در سوره الرحمن و محمد، بهشت از دو باغ درون دو باغ و چهار نهر تشکیل یافته است.

جدول ۲: بررسی تطبیقی محوربندی و تقسیمات پلان باغ‌های دوران ساسانی و اسلامی و مبانی نظری و مستندات دینی مرتبط با این مقوله در هر دو دین

دوره تاریخی	ویژگی کالبدی	مبانی نظری	مستندات دینی
ساسانی	- تقسیمات دوتایی پلان باغ	- اعتقاد به ثنویت در آیین زرتشت و آموزه‌های اوستا (دو گیتی، خوب و بد، هستی و نیستی و...) - تأکید بر میانه‌روی در آموزه‌های زرتشت	در آغاز، آن دو مینوی همزاد و در اندیشه و گفتار و کردار نیک و بد با یکدیگر سخن گفتند (بسته‌ها ۳۰). آنگاه که آن دو مینو به هم رسیدند، نخست زندگی و نازندگی را بنیاد نهادند.
اسلامی	- تقسیمات چهارتایی پلان باغ (چهارباغ)	- اعتقاد به وجود باغ‌های چهارگانه بهشتی (دو باغ درون دو باغ) - اعتقاد به نهرهای چهارگانه بهشتی	- سوره الرحمن آیات ۴۸ و ۶۲: «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ» (۴۸) و «وَمِنْ دُونِهَا جَنَّاتٌ» (۶۲) - سوره محمد آیه ۱۵: و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون‌گشته و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان است و نهرهایی از عسل مصفی، و برای آن‌ها در آن، از تمام انواع میوه‌ها وجود دارد (و از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارشان. آیا چنین کسانی همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخ‌اند و از آب جوشان نوشاده می‌شوند که امعاء آن‌ها را از هم متلاشی می‌کند.

۳. بررسی تطبیقی موقعیت قرارگیری و تعدد طبقات کوشک‌های دوران ساسانی و اسلامی

بسیاری از آثار به‌جای‌مانده از دوران ساسانی، با گذر زمان تغییرات ظاهری قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند؛ از این رو، تحلیل‌های صورت‌گرفته در صورت امکان با استناد به متون تاریخی و در غیر این صورت، بر مبنای نظریات کارشناسان در مورد بنای اولیه با کاوش‌های صورت‌گرفته بر روی بنای فعلی بوده است. طبق این اسناد، کاخ‌های دوران ساسانی عمدتاً بر روی صفه‌هایی ساخته شده‌اند که ارتفاع آن اندکی بالاتر از سطح محوطه پیرامونی قرار می‌گیرد.

باغ- کاخ سروستان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق باغ‌سازی این دوران، در نزدیکی تپه‌های متعددی واقع شده و نهرهای مختلفی از کنار آن می‌گذرد. در طول بازسازی‌های سال‌های اخیر مشخص شده است که شالوده‌های زیر دیوار که در نمای آن‌ها پیداست، به احتمال بسیار زیاد، برای بالابردن بنا از سطح محوطه اطراف بوده‌اند (بیر ۱۳۸۵، ۳۹). با استناد به این اطلاعات، می‌توان اظهار داشت که کوشک سروستان به احتمال قریب به یقین، روی صفه‌ای قرار داشته است. گمان می‌کنیم که ارتفاع این صفه برای حفظ پیوستگی میان انسان حاضر و طبیعت اطراف، نباید چندان زیاد بوده باشد. گسست میان کوشک و طبیعت پیرامونی در این دوران، تنها به‌واسطه عوامل مذکور، از جمله دیوارهای صلب، بازشوهای محدود و... بوده و ساخت صفه نه تنها تلاشی برای اثبات تفوق نبوده است، بلکه در راستای برقراری ارتباطی قوی‌تر میان انسان حاضر روی آن و طبیعت پیرامونی بوده است (تصویر ۳۴).

عمارت خسرو بر روی ایوان ساختمانی به ارتفاع ۲،۳ متر و به مساحت ۵۸×۷۵،۸ متر و در وسط باغی بهشتی قرار داشت. آندره گدار می‌گوید: «برای رسیدن به این باغ، می‌بایست از شیب‌راهه‌های دوتایی مشابه راه‌پله‌های بزرگ تخت جمشید عبور کرد. طبق گفته مورخان، این باغ بهشتی (فردوس) منطقه‌ای در حدود سیصد هکتار را می‌پوشاند و شامل باغ‌ها، حوضچه‌ها، آبراهه‌ها، آلاچیق‌های باصفا و مناطق حفاظت‌شده بود که حیوانات در آنجا آزادانه زندگی می‌کردند. دیواری به آبراهه‌ای ملحق شده بود و آب را برای آبیاری این باغ‌ها هدایت می‌کرد» (خوانساری ۱۳۸۳، ۵۶) (تصویر ۳۵). کاخ اردشیر اول در فیروزآباد مجموعه‌ای از سرسراها و ایوان‌های قوسی شکل است که بر روی سکویی به مساحت ۱۰۳،۶×۵۴،۸ متر قرار داشت و رو به چشمه‌ای طبیعی که طبق اسناد مورخان عرب، آب این چشمه از طریق کانال‌های آب برای سیراب کردن، وارد پارک‌های پادشاه می‌شد» (همان، ۴۸). وجود چشمه در مقابل ساختمان و جریان آب به سمت ساختمان دلیل ایجاد صفه کوچک و نشان از عدم تسلط چندان زیاد ساختمان و حوضچه آب دارد (تصویر ۶۴). موقعیت قرارگیری مجموعه تخت سلیمان با کاخ باغ‌های اشاره‌شده در بخش‌های قبلی، اندکی متفاوت است. برخلاف بیشتر کاخ باغ‌ها که در آن‌ها کوشک شاهی بر روی صفه‌ای بالاتر از تراز زمین‌های اطراف قرار گرفته، در این اثر به‌عنوان یک باغ معبد، کل مجموعه بر روی تپه‌ای قرار دارد که تراز آن در حدود ۲۰ متر بالاتر از زمین‌های اطراف است؛ ولی باز هم آب بالاتر از سطح همه مجموعه است و سطح روشن‌بودن آتش قریب دو متر پایین‌تر از سطح آب و زمین اطراف آن است (تصویر ۳۷).

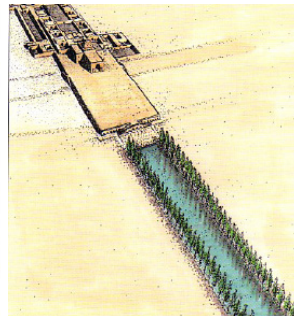
آثار و اسناد به‌جای‌مانده حاکی از آن است که در کوشک‌های دوران ساسانی، تعدد طبقات وجود نداشته و تمامی این آثار به‌صورت یک طبقه ساخته شده‌اند.



تصویر ۳۷: مجموعه تخت سلیمان و موقعیت آن نسبت به زمین‌های اطراف (URL8)



تصویر ۳۶: کاخ فیروزآباد (URL7)



تصویر ۳۵: عمارت خسرو (URL6)



تصویر ۳۴: کاخ سروستان (URL5)

با بررسی مصادیقی از جمله کوشک چهلستون، هشت‌بهشت، فین و... می‌توان ادعان کرد که تقریباً تمامی این کوشک‌های دوران اسلامی بر روی صَفّه‌هایی واقع‌اند که سطح کوشک را در ترازوی بالاتر از سطح باغ قرار می‌دهد. برخلاف کاخ‌های ساسانی، تقریباً تمامی کوشک‌های ساخته‌شده در دوران اسلامی، به‌صورت دو طبقه بوده که این تعداد در دوران حکومت پهلوی به سه و چهار طبقه نیز ارتقا یافت.



تصویر ۳۹: کوشک هشت بهشت اصفهان (URL10)



تصویر ۴۰: کوشک احمدشاه - کاخ نیاوران تهران (URL11)



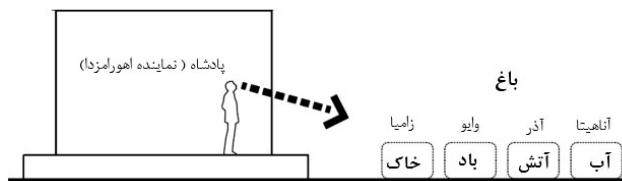
تصویر ۳۸: کوشک باغ فین کاشان (URL 9)

کوشک‌های ساخته‌شده در دوران اسلامی، عمدتاً بر روی صَفّه قرار داشته و در دو یا سه طبقه ساخته شده‌اند.

۳-۱. بررسی تطبیقی مبانی نظری مرتبط با مقولهٔ موقعیت قرارگیری و تعداد طبقات کوشک

طراحی باغ و تعیین جایگاه کوشک (به‌عنوان جایگاه پادشاه) و باغ نسبت به یکدیگر منبعث از طرز تفکر و دیدگاه بشر نسبت به رابطهٔ انسان-طبیعت است. «اساس ساختن دست‌اندازی به طبیعت است. نوع این دست‌اندازی ارتباط بسیار نزدیک با طرز تفکر انسان در مورد طبیعت دارد» (گروتز ۱۳۸۶، ۱۴۶). در برخی از ادیان و فرهنگ‌ها انسان خود را هم‌تراز با طبیعت و جزئی از آن می‌دانسته است؛ در دنیای مسیحیت، این ارتباط تبدیل به یک مثلث شد و در فرهنگ‌ها و ادیان‌های آسیای شرقی، آنچه خدایی بود، در یگانگی با طبیعت قرار داشت. با توجه به دیدگاه‌های ارائه‌شده در اوستا و سایر کتب آیین زرتشت در مورد طبیعت، می‌توان الگویی کلی برای روابط و جایگاه خدا، طبیعت و انسان ارائه کرد. در آیین زرتشت، اهورامزدا (خدا) همانند تمامی ادیان، از بالاترین جایگاه و منصب برخوردار است. پادشاه، نمایندهٔ اهورامزدا بر روی زمین بوده و دارای مقامی الهی است. در دوران حکومت ساسانی، دین و دولت اساس و پایه یکدیگر بوده‌اند؛ به‌طوری‌که اردشیر اول به فرزند خود چنین اندرز می‌دهد: «شهریاری از دین پدید و دین از شهریاری نیرو گیرد» (احسان ۱۳۴۸، ۱۱۳) برای در دست داشتن چنین نیرویی کارساز و استفاده از آن، می‌بایست نه تنها شاهنشاه خود دارای مقامی الهی باشد، بلکه می‌بایست ریاست مذهب را نیز بر عهده گیرد؛ از این رو، پادشاهان ساسانی خود و خاندانشان را فرستادهٔ اهورامزدا در زمین می‌دانند که به نام او فرمان می‌رانند و مجری خواست‌های او در بین مردم است. در دین زرتشت، طبیعت و عناصر سازندهٔ آن مقدس بوده و ایزدان پاسدار آن‌ها، باری‌کنندهٔ اهورامزدا در ادارهٔ جهان بوده و در ترازوی پایین‌تر از آن جای می‌گیرند. با این اوصاف، جایگاه انسان نیز در ترازوی پایین‌تر از طبیعت تثبیت می‌شود. در چنین دیدگاهی، انسان مادون یا هم‌تراز طبیعت است (تقدس طبیعت و عدم بهره‌برداری لازم از عناصر و اجزای طبیعی) (نمودار ۳). کاخ‌های دوران ساسانی و کوشک‌های اسلامی عمدتاً بر روی صَفّه‌هایی ساخته شده‌اند که علی‌رغم تشابه کالبدی آن‌ها، مبانی نظری متفاوتی در پی آن‌ها وجود دارد. بالا بردن کاخ ساسانی از سطح زمین بر مبنای اعتقادشان به کاخ به‌عنوان جایگاه اهورامزدا و مقام برتر وی نسبت به ایزدان اجزای طبیعت است. قرارگیری کاخ ساسانی بر روی صَفّه، نمادی است از جایگاه والای مقام پادشاهی به‌عنوان نمایندهٔ اهورامزدا بر روی زمین و تسلط وی بر تمام ایزدان پاسدار طبیعت (تصویر ۴۱).

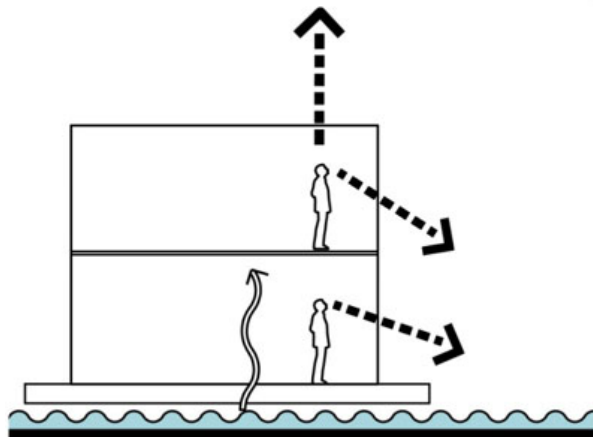
کوشک



تصویر ۴۱: مدل معماری ترسیم‌شده براساس تعریف جایگاه اهورامزدا - انسان و طبیعت نسبت به یکدیگر

قرآن کریم در آیات متعددی به توصیف غرفه‌های بهشتی پرداخته است؛^{۱۵} از آن جمله می‌توان به آیه ۵۸ سوره عنکبوت اشاره کرد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...»: کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، آن‌ها را در غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که نهرها در زیر آن جاری است... در آیه ۲۰ سوره زمر نیز آمده است: «رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مِثْلُهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»: برای پرهیزکاران در بهشت، غرفه‌هایی است و بر فراز آن، غرفه‌هایی دیگر و از زیر آن‌ها نهرها جاری است. از آیات مذکور می‌توان این‌چنین برداشت کرد که غرفه (کوشک) دارای هوایی لطیف‌تر، مناظر بهتر و محلی آرام‌تر برای سکونت است. در مورد عبارت «غرفه بر فراز غرفه» تفاسیری وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها حدیثی از رسول اکرم (ص) است که دلالت بر ارتفاع بسیار بلند این غرفه‌ها دارد؛ چون بعد زمین نسبت به آسمان دارد و از سویی دیگر، امنیت به‌عنوان لازمه ایجاد آرامش در مسکن و غرفه‌های باغ بیان شده است. حکمت قرارگیری کوشک‌های دوران اسلامی بر روی صَفَه، بیانگر عینیت‌بخشی به آیه‌های قرآن درباره غرفه و تخت‌هایی است که از زیرشان نهرهای روان جاری است.^{۱۶} تعدد طبقات کوشک‌های دوران اسلامی برخلاف آثار ساسانی که عمدتاً یک طبقه‌اند، حاکی از توجه به آیات قرآنی و ساخت «غرفه بر فراز غرفه» است که این امر تأکیدی است به‌سوی آسمان و تسلط بر طبیعت (تصویر ۴۲).

قرارگیری کوشک‌های اسلامی بر روی صَفَه، از منظری دیگر قابل تحلیل است. در دیدگاه اسلامی، انسان نشئت‌یافته از طبیعت است و امکان برتر آمدن از آن را دارد.^{۱۷} (احترام به طبیعت، دیدگاه اسلامی) در حقیقت جای‌گیری کوشک بر روی صَفَه، نمادی است از خلافت انسان بر طبیعت.



تصویر ۴۲: مدل معماری ترسیم‌شده براساس توصیفات قرآنی در مورد غرفه‌های بهشتی؛ بر اساس این مدل، کوشک با قرارگیری بر روی آب‌های روان از هوایی تازه برخوردار می‌شود. تعدد طبقات و افزایش ارتفاع، نسبت بنا با آسمان را افزایش داده و دید بهتری رو به باغ دارد.



نمودار ۴: جایگاه طبیعت-انسان و خدا نسبت به یکدیگر براساس آموزه‌های قرآنی

دوره تاریخی	ویژگی کالبدی	مبانی نظری	مستندات دینی
ساسانی	قرارگیری کاخ بر روی صفه و ترازوی بالاتر از طبیعت	کاخ به عنوان جایگاه پادشاه (نماینده اهورامزدا) و اعتقاد به مقام برتر وی نسبت به ایزدان اجزای طبیعت	
	قرارگیری کوشک بر روی صفه و ترازوی بالاتر از طبیعت	انسان نشئت گرفته از طبیعت است و می‌تواند به جایگاهی بالاتر از آن دست یابد.	ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای پاک و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان نهادیم (اسراء، ۱۷)
اسلامی	قرارگیری کوشک بر روی صفه و جریان یافتن آب از زیر آن	کوشک‌ها همان غرفه‌های بهشتی هستند که یکی از مشخصه‌های اصلی آن‌ها جریان آب از زیر آن‌هاست.	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُؤْتِيَنَّهُمْ مِنْ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (عنکبوت: ۵۸)
	ساخت کوشک‌های دو یا سه طبقه در دوران اسلامی برای تحقق این شاخصه	در قرآن به تعدد طبقات کوشک اشاره شده است.	رَبِّهِمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (زمر: ۲۰)

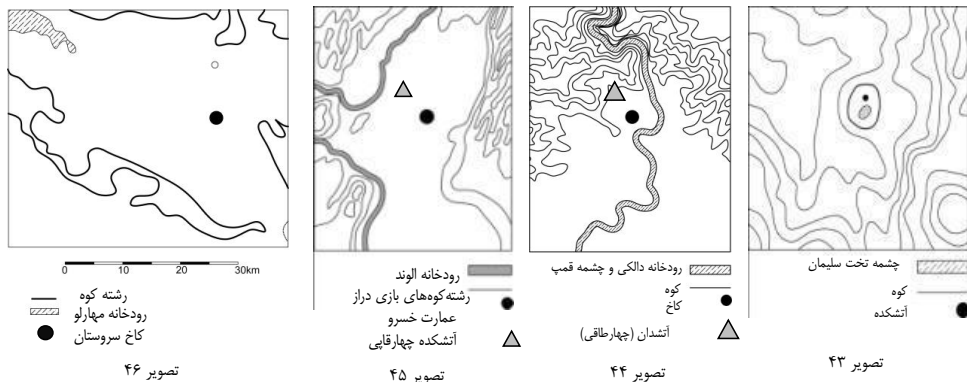
۴. بررسی تطبیقی موقعیت مکانی باغ‌های دوران ساسانی و اسلامی

با بررسی مصادیق باغ‌سازی دوران ساسانی به این نتیجه می‌رسیم که بیشتر باغ‌های این دوران، عمدتاً محصور در میان رشته‌کوه‌های اطراف بوده و چشمه یا رودخانه‌ای طبیعی نیز در اطراف آن وجود دارد. بنای آتشکده‌ای در نزدیکی یا مجاورت این باغ‌ها به عنوان یکی از عناصر چهارگانه (آتش) به تقدیس و تکامل باغ کمک می‌کند (تصویر ۴۶). باغ سروستان به عنوان یک اثر تاریخی در شهر سروستان و در نزدیکی استان فارس واقع شده است. «محوطه شهری سروستان در نزدیکی یک حوزه رود داخلی مابین دو رشته کوه موازی از انشعابات زاگرس جنوبی واقع شده است. بستر حوزه رود تقریباً ۱۳۰ کیلومتر طول دارد و از شمال غرب به طرف جنوب شرق گسترده شده است و در حدود ۱۷۰۰ متر، بالای سطح دریا قرار دارد. در مرکز آن، یک قسمت فرورفته به صورت مرداب نمکی بزرگی واقع گردیده که در فصل بارانی تبدیل به دریاچه‌ای فصلی می‌شود. این دریاچه به مهارلو معروف است و حوزه رود شامل رودخانه کوشک می‌باشد که سرچشمه آن در بالای کوه‌های شیراز قرار دارد» (بیر ۱۳۸۵، ۵). در یک دید کلی، می‌توان گفت که کاخ-باغ سروستان از نظر موقعیت مکانی، محصور در میان رشته‌کوه‌ها بوده و دریاچه طبیعی مهارلو نیز در امتداد محور آن قرار دارد (تصویر ۴۳).

«مجموعه عمارت خسرو در نزدیکی شهر قصر شیرین و در مسیر جاده‌ای قرار دارد که به سمت کرمانشاه می‌رود. خسرو در باغی عظیم به مساحت تقریبی ۳۰۰ جریب در محلی که دشت‌های عراق با دیوار عظیم زاگرس تلاقی می‌کند، کاخی برای شیرین و یک چهارطاق بزرگ با تعدادی زیادی بناهای مکمل ساخت که آب همه آن‌ها از طریق بندی که روی رودخانه حلوان^{۱۸} ایجاد شده بود، تأمین می‌گردید» (هرمان ۱۳۷۳، ۱۴۷) (تصویر ۴۴). «مجموعه کاخ باغ فیروزآباد که آن را با نام‌های آتشکده فیروزآباد و کاخ اردشیر نیز می‌شناسند، در بیرون شهر فیروزآباد و در کنار چشمه‌ای پرآب قرار دارد. این چشمه نه تنها آب کافی برای تأمین نیازمندی‌های یک کاخ بزرگ، بلکه برای آبیاری باغ‌ها را نیز تأمین می‌کرد. چشمه، باغ و کاخ فیروزآباد مجموعه واحدی را تشکیل می‌دادند که در مقابل گرمای تابستان و فضای پیرامونش مشخص می‌گردید» (زارعی ۱۳۸۷، ۱۲۰) «کمی بالاتر از کاخ، آتشدانی

برای مراسم مذهبی وجود دارد. وجود چهار عنصر طبیعی آب، باد، خاک و آتش امتیاز ویژه‌ای به این منطقه داده است. به علت قرارگرفتن این کاخ در کنار چشمه قمپ، آتشکده آن را آتشکده فیروزآباد نیز می‌نامند» (URL3) است. برکه‌ای جوشان در جلو بنا بوده است که با پلکانی بدان راه می‌یافتند. این کاخ دارای تالارهای تودر تو است. در ضلع شمالی خارج از دیوار کاخ نیز چشمه‌ای زلال از دل خاک می‌جوشد و استخری طبیعی در جلوی این چشمه به وجود آمده است. نهری از کنار دیوار شرقی کاخ عبور می‌کند که موجب آبادانی شهر گور و کاخ ساسانی بوده است (تصویر ۴۵).

محوطه باستانی تخت سلیمان در دره عمیقی مابین بیجار و میاندوآب در جنوب آذربایجان قرار دارد. صفا و تخت بر روی یک بلندی طبیعی به ارتفاع ۲۰ متر از سطح دشت واقع شده است. در این مجموعه، همانند دیگر باغ‌های دوران ساسانی مجموعه‌ای از چهار عنصر مقدس طبیعی به چشم می‌خورد. «با انطباق دقیق یک بیضی هندسی بر پلان تخت سلیمان، به این نتیجه می‌رسیم که آتش و آب هر دو در کانون‌های بیضی قرار می‌گیرند» (جعفری ۱۳۸۵، ۳۰) (تصویر ۴۶).



تصویر ۴۳: نقشه جغرافیایی حدود سروستان (بیر ۱۳۸۵، ۱۳۸) تصویر ۴۴: نقشه جغرافیایی حدود عمارت خسرو (خوانساری ۱۳۸۳، ۵۶) تصویر ۴۵: نقشه جغرافیایی حدود کاخ فیروزآباد (URL۱۲) تصویر ۴۶: پلان مجموعه تخت سلیمان در تکاب (URL۱۲)

باغ‌های دوران اسلامی برخلاف باغ‌های ساسانی که عمدتاً در حاشیه تپه‌ها و کوه‌ها شکل می‌گرفتند، در دشت‌های مسطح واقع بودند. در این دوران، قنات‌های متعددی در دشت‌ها حفر شده و باغ‌ها عمدتاً در امتداد محور قنات‌ها شکل می‌گرفتند؛ به طوری که بسیاری از باغ‌های معروفی مثل باغ دولت‌آباد و باغ شازده و... مظهر قناتی هستند. از آنجاکه مظهر قنات معمولاً در یک دشت مسطح واقع است، همین عامل باعث شکل‌گیری باغ‌ها در دشت‌های حاشیه شهری می‌شد. درحالی‌که در ساسانیان، به‌ویژه باغ معبدها وابستگی زیادی با منبع و چشمه‌های طبیعی آب دارند و این چشمه‌ها نیز در دامنه تپه‌ها و کوه‌ها شکل می‌گیرد. نمونه‌هایی همچون باغ فین، چون از بقایای قبل از اسلامی هستند، چندان قابل استناد نیستند. با این حال، همین باغ نیز به سبب آنکه در حاشیه شهر و مکانی نسبتاً کم‌شیب قرار داشت، توسعه‌های جدی در عصر اسلامی پیدا کرد؛ به طوری که چیز زیادی از قبل از اسلام آن باقی نمانده است.

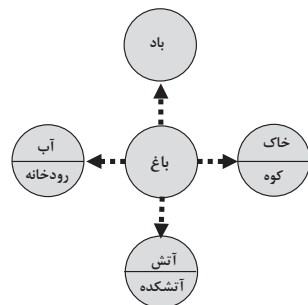
۴-۱. مبانی نظری مرتبط با مقوله مکان‌یابی باغ‌های دوران ساسانی و اسلامی

اعتقادات زرتشتیان دربارهٔ عناصر مقدس اربعه، تأثیر بسزایی در مکان‌یابی باغ‌های آن‌ها داشته است. بررسی موقعیت مکانی باغ‌های این دوره، حاکمیت الگویی ثابت در مکان‌یابی باغ را به اثبات می‌رساند و آن الگو تجمع عناصر اربعه مقدس در اطراف باغ است.

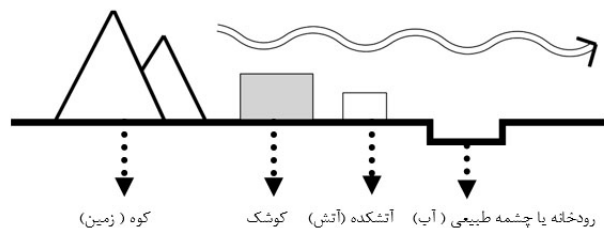
بیشتر کاخ‌های این دوران در جایی واقع شده‌اند که چهار عنصر مقدس طبیعی در آیین زرتشت، آن را احاطه کرده است. این باغ‌ها عمدتاً محصور در میان رشته کوه‌های اطراف بوده و چشمه یا رودخانه‌ای طبیعی نیز در اطراف آن وجود دارد. بنای آتشکده‌ای در نزدیکی یا مجاورت این باغ‌ها به‌عنوان یکی از عناصر چهارگانه (آتش) به تقدیس و تکامل باغ کمک می‌کند. به این ترتیب، در هر دو الگوی باغ-کاخ و باغ معبد، شاهد برخورد آیینی با طبیعت هستیم و عرصه باغ همچون معبدی تلقی می‌شود.

زرتشتیان به چهار آخشیج (عناصر) آب، باد، خاک و آتش توجه بسیار داشتند و آن‌ها را می‌ستودند. در این دوره، عناصر طبیعی مثل درخت، رود، کوه و... مقدس تلقی می‌شده، تا آنجا که در این دین، شکستن شاخه درخت، آلوده کردن آب و... اعمال بسیار زشتی تلقی می‌شده است. در قسمتی از تعالیم زرتشت، درخصوص توجه به طبیعت چنین آورده شده است که: «من آیینی را باور دارم که در آن آیین، به آب‌ها، گیاهان، کلاً طبیعت خوب ارج می‌گذارند» (نصر ۱۳۸۹، ۲۱). زرتشت می‌گوید: «خواستار ستایش این آب‌ها و زمین‌ها و گیاهانم. خواستار ستایش این جاها و روستاها و چراگاه‌ها و خانمان‌ها. خواستار ستایش اورامزدا، دارنده این روستاهایم» (دوستخواه ۱۳۷۱، ۱۰۵-۱۰۷) در دین زرتشت، هر آنچه داده خداست، پاک و دوست‌داشتنی است. آن‌ها بی‌احترامی به آب و خاک و قطع کردن درختان را گناهی نابخشودنی می‌دانستند.

«به اعتقاد آنان، ذره‌ای از ذات پاک اهورامزدا- به نام فروهر- در همه ذرات طبیعت موجود است» (خورشیدیان ۱۳۲۵، ۱۱۵). امشاسپندان (فرشته‌ها) اهورامزدا را در اداره جهان یاری می‌رسانند. فرشتگان، آفریده اهورامزدا هستند و برای آنکه منشأ اثر باشند، برای هریک از آن‌ها وظیفه‌ای معین کرده‌اند؛ از جمله آناهیتا و آبان، فرشتگان پاسدار آب، آذر و نیرویسنگ، فرشته‌های پاسدار آتش، زامیا فرشته پاسدار زمین و خاک و وایو فرشته پاسدار باد و هوا است. فرشته‌هایی هم حامی خورشید، ماه، ستارگان، باران و همچنین مراقب رعایت پاک‌ی و درستی و غیره هستند. ایزدان گوناگونی نیز که از لحاظ مقام و مرتبه، قبل از امشاسپندان قرار دارند و آفریده اویند، وی را در این کار یاری می‌دهند (مینوی خرد ۱۳۵۴، ۱۸ - ۱۱).^{۱۹}



نمودار ۵: عناصر چهارگانه مقدس طبیعی در دین زرتشت و الهه‌های آن‌ها



تصویر ۴۷: مدل ترسیم‌شده براساس آموزه‌های اوستا در مورد موقعیت باغ و عناصر اربعه مقدس

در دوران اسلامی، براساس دستوری که در متون اسلامی در زمینه آبادسازی و استعمار طبیعت وجود دارد، قنات‌های متعدد حفر شد و در مظهر قنات و امتداد محور آن باغ‌های متعدد شکل گرفت. در این دین، برخلاف دیدگاه زرتشتی، انسان اشرف مخلوقات بوده و اجازه دخل و تصرف و برترآمدن از طبیعت را دارد و خواست وی و دخل و تصرف‌هایش در طبیعت، نقش به‌سزایی در ایجاد پتانسیل‌ها و بسترهای مناسب باغ‌سازی داشته است.

جدول ۳: بررسی تطبیقی موقعیت قرارگیری و تعداد طبقات کوشک و مبانی نظری و مستندات دینی مرتبط با این مقوله در دین اسلام و زرتشت

دوره تاریخی	ویژگی کالبدی	مبانی نظری	مستندات دینی
ساسانی	- قرارگیری باغ در میان عناصر کوه، آب، آتش	اعتقاد به چهار عنصر مقدس آب، آتش، باد، خاک در آیین زرتشت	خواستار ستایش این آبها و زمینها و گیاهانم. خواستار ستایش این جاها و روستاها
	- بهره‌گیری از پتانسیل‌های طبیعی و حداقل دخل و تصرف در بسترسازی باغ	- اعتقاد به تقدس طبیعت و نهی از دستبرد و تحریف آن در آیین زرتشت	و چراگاهها و خانمانها. خواستار ستایش اورامزدا، دارنده این روستاهایم» (دوستخواه ۱۳۷۱، ۱۰۵-۱۰۷).
اسلامی	- مکان‌یابی باغ در امتداد محور قنات و دشت‌های مسطح	انسان نشئت‌گرفته از طبیعت است و می‌تواند به جایگاهی بالاتر از آن دست یابد.	ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای پاک و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش، برتریشان نهادیم (اسراء، ۱۷)

نتیجه‌گیری

باغ و باغ‌سازی هنری است که در تمام تمدن‌ها و ادیان وجود داشته و ویژگی‌های کالبدی خود را در سایه پاسخ به نیازهای عملکردی، توجه به ویژگی‌های فرهنگی و آیینی ادیان حاکم بر زمان خود کسب می‌کرده است. صفات و مفاهیم نمادین مرتبط با باغ‌سازی، مبنایی فرهنگی و صبغه‌ای دینی داشته و ویژگی‌های خود را از صفات بهشت آرمانی مذهب و آیین حاکم بر جوامع می‌گیرد و همین تفاوت‌هاست که به ساختارها و الگوهای کالبدی متفاوت در هر برهه از زمان می‌انجامد؛ تمدن ایران در دوره رواج و گسترش آیین‌های مهری (میتریایی)، مزدیسنا و زرتشتی با تفسیر ویژه از طبیعت به تقدیس آن می‌پرداخت؛ اما با ورود دین اسلام، احترام به طبیعت جای تقدیس آن را گرفت و به تبع آن، تغییرات کالبدی چشمگیری از منظر برون‌گرایی- درون‌گرایی، محوربندی، موقعیت قرارگیری، تعداد طبقات کوشک و... در باغ‌های ایرانی به وجود آمد.

بررسی تطبیقی کالبدی باغ‌های ساسانی و اسلامی، حاکی از وجود تفاوت‌های بارزی در زمینه درون‌گرایی، برون‌گرایی، محوربندی، تعدد طبقات، موقعیت مکانی و... است؛ به طوری که کوشک‌های ساسانی نسبت به دوران اسلامی، درون‌گراتر بوده، موقعیت قرارگیری متفاوت‌تری داشته، تعدد طبقات ندارند و به جای تقسیم‌بندی چهارتایی، از تقسیم‌بندی دوتایی برخوردارند. چنین تفاوت‌های کالبدی به واسطه مبانی نظری و عقاید متفاوت در زمینه اعتقاد به رابطه انسان- طبیعت، ویژگی‌های بهشت آرمانی، اعتقاد به ثنویت و وحدت و... در میان دین اسلام و آیین زرتشت حاصل شده است. می‌توان اظهار داشت که مبانی نظری متفاوت ادیان علاوه بر تأثیرگذاری در زمینه‌های فکری، عقیدتی، سیاسی و... رد پای آشکار در معماری، منظر و شهرسازی هر دوره به جای گذاشته است.

به دلیل فقدان منابع و مستندات کافی از باغ‌سازی دوران ساسانی، تاکنون پژوهش‌های چشمگیری در بررسی الگوها و مبانی نظری منظر این دوره صورت نگرفته است. بدیعت موضوع، ضرورت انجام پژوهش‌هایی دقیق در ابعادی گسترده را به اثبات می‌رساند. این پژوهش علی‌رغم خلل موجود، تلاش نمود تا گامی هرچند کوچک در راستای تبیین الگوهای کلی و بررسی تطبیقی مبانی نظری باغ‌سازی دوران ساسانی و اسلامی بردارد و به‌عنوان یک مقدمه، زمینه‌ساز پژوهش‌ها و تحقیقات آتی باشد.

بی‌نوشت

۱. آثار منظر دوران ساسانی را به دو دسته کلی باغ- کاخ و باغ- معبد تقسیم کرده‌ایم. به دلیل درون‌گرایی ساختمان کاخ یا معابد واقع در میان باغ‌های ساسانی، از به‌کارگیری اصطلاح کوشک درباره آن‌ها خودداری کردیم؛ زیرا اصطلاح کوشک به ساختمانی اطلاق می‌شود که در میان باغ باشد و از هر طرف، به بیرون دید داشته باشد. به نظر می‌رسد کوشک پدیده نوظهور دوران اسلامی است؛ هرچند می‌توان این اصطلاح را در مورد برخی از آثار قبل از اسلام مانند باغ پاسارگاد نیز به کار برد؛ اما پژوهش‌های صورت گرفته (لیب‌زاده، حمزه‌نژاد و خان‌محمدی ۱۳۹۰) تفاوت‌های بارز میان کوشک‌های هخامنشی و اسلامی را به خوبی نشان داده است.

۲. در زمان صفویان، یکی از درهای آن به پنج دری تبدیل شده است.

۳. طاق کسری به‌عنوان یک کوشک، نمونه چشمگیری از یک ایوان ساسانی است و ایوان در اینجا نه فقط یک معبر که یک اندام اصلی کوشک به‌شمار می‌آید.

۴. محرمیت و درون‌گرایی کوشک یکی از بنیادی‌ترین اصول باغ‌سازی دوران ساسانی نیز به‌شمار می‌آید. در این بخش، محرمیت و درون‌گرایی کل مجموعه و تفکیک مرز و تعریف حریمی مشخص برای کل مجموعه باغ مد نظر بوده است.

۵. مسئله گسستگی داخل و خارج کوشک که می‌تواند منجر به تاریکی و بی‌بهرگی از منظر در درون فضا شود، بحثی ریشه‌دار در باغ‌های کهن ایران است و شکل عجیب آن را در باغ بسیار کهن و اصیل پاسارگاد نیز می‌توان دید. به نظر می‌رسد مبانی نظری مهمی همچون محرمیت یا قداست طبیعت و... مبنای آن باشد. اساساً در باغ‌های این دوران‌ها نگرش زیباگرایانه به باغ‌ها وجود ندارد.

۶. توصیف بهشت و دوزخ آن‌چنان‌که در مینوی خرد وجود دارد، در اوستا موجود نیست و تنها گفته شده که روان‌های مینوی به‌روشنی و نیکی جاودانه راه خواهند یافت.

۷. «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا...»

۸. «وَكَايُنَّ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ.»

۹. طبیعت در هنر اسلامی بیش از هر هنر دیگری، نماد تنوع سرشار زندگی شده است و هنرمند به طرق مختلف سعی داشته تا طبیعت را به فضای زندگی خود وارد کند. هنرمندان اسلامی به‌وسیله فرش و نقوش باغی بر روی آن توانسته‌اند باغ و طبیعت را به فضای داخلی خانه‌ها وارد کنند (نصر ۱۳۸۹، ۲۵).

۱۰. (اوستا، ۴۳) منظور ثنویت نیست؛ بلکه اشاره‌ای به ستیزه‌آبدی میان دو مینو در آموزه اخلاقی گاهانی است.

۱۱. نمی‌توان ادعا کرد که تمامی باغ‌های دوران اسلامی، بر مبنای الگوی چهار باغ ساخته شده‌اند؛ زیرا برخی از مصادیق نظیر باغ شازده ماهان و دولت‌آباد تنها یک محور اصلی دارند. با این حال چهار باغ و تقسیمات چهاربخشی به‌عنوان الگوی رایج (Prototype) باغ‌سازی در دوران اسلامی به‌شمار می‌آید.

۱۲. در منابع دین زرتشتی به زبان پهلوی، از دو جهان نام برده می‌شود: یکی گیتی یعنی جهان خاکی و دیگری مینو یعنی دنیایی که فراتر از عالم مادی است و دیده نمی‌شود. در هر دو عالم، خوب و بد وجود دارد. ثنویت از اعتقادات اصلی در دین زرتشت است (اسموسن، بی‌تا، ۱۱۳-۱۱۴).

۱۳. از آن دو مینو هواخواه دروخ به بدترین رفتار گرویدند و سپندترین مینو - که آسمان جاودانه را پوشانده است - و آنان که به آزادکامی و درستکاری مزدا اهوره را خشنود می‌کنند، اشه را برگزیدند. (اشه به معنای نیکی، درستی و اعتدال است.)

۱۴. سورة الرحمن: «وَلَمَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (۴۸) و «وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ» (۶۲)

۱۵. قرآن کریم در حدود ۳۸۶ آیه با به‌کارگیری کلمات مترداف بهشت: «جنه، الجنة، جنات، جنتین، حدائق» و اجزای بهشت: «الانهار و العیون» و مشابه آن به معرفی بهشت پرداخته است که در ۸۱ مورد، به بهشت‌های زمینی و ۳۰۶ مورد بهشت و دنیای آخرت را توصیف کرده است و ۴ نمونه از توصیفات بهشت‌های زمینی و اخروی با هم مشترک‌اند. تصویر روشنی از بهشت و دوزخ در اسلام است؛ اما تصویر روشنی از بهشت در مسیحیت نیست. (به نقل از: اسمیت جان، الکساندر. سمینار معماری فضای سبز چرا نه؟ دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا- ۱۳۷۳/۹/۷)

۱۶. «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نِعْمٍ عَلَيَّ الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ»: مسلماً ابرار در میان انواع نعمت هستند. آن‌ها بر تخت‌های زیبای بهشتی تکیه

کرده و به آن مناظر زیبا نظر می‌کنند و لذت می‌برند (مطفین: ۲۲ و ۲۳).

۱۷. در آیات متعددی از قرآن، به اشرف‌بودن انسان اشاره شده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۱۷) ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای پاک و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برترشان نهادیم.

۱۸. نام کنونی رودخانه‌الوند تنها تکاملی دیرینه از واژه آریایی «هله‌وند» است که در ادبیات عربی به «حلوان» مبدل شده و در گویش کنونی مردم منطقه، به زبان کردی به «الون» یا «هه‌لون» مشهور شده است.

۱۹. اوستا دارای چند فصل است که به ترتیب زمان تدوین، عبارت‌اند از: گات‌ها، یسنا، یشت‌ها، ویسپرد، خرده اوستا و وندیداد. یسنا اختصاص به نیایش اهورامزدا و شناخت او دارد. یشت‌ها به معنی ستایش و نیایش مینوان و ایزدان خاص است. ویسپرد در ستایش پاکان و پارسایان وضع شده. خرده اوستا گزیده‌ای از سراسر اوستاست که در اواخر عمر ساسانیان گرد آمده و بدعت‌هایی بر آن وارد است. وندیداد تعلیم شرعی دین زرتشت است. مینوی خرد تفسیرگونه‌ای است از اوستا و گفت‌ووشنودی میان عالم و عامی (بیانی ۱۳۷۹، ۲۸-۲۹).

منابع

- قرآن کریم.

- احسان، عباس. ۱۳۴۸. عهد اردشیر. ترجمه محمدعلی امام شوشتری. تهران: انجمن آثار ملی.
- اردلان، نادر و لاله بختیار. ۱۳۸۰. حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی. ترجمه حمید شاهرخ. اصفهان: نشر خاک.
- اسموسن، ج.پ. بی‌تا. اصول و اعتقادات و دیانت زرتشتی. ترجمه فریدون وهمن. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اعتمادی‌پور، مرضیه و آرمین بهرامیان. ۱۳۹۱. «مقایسه تطبیقی باغ‌های تخت شیراز و قصر قجر تهران». دو فصلنامه مطالعات معماری ایران ۱ (۱): ۹۶ - ۸۵.
- بوسایلی، ماریو و امیرتوش‌اتر. ۱۳۸۳. تاریخ هنر ایران (هنر پارتی و ساسانی). تهران: مولی.
- بیانی، شیرین. ۱۳۸۰. دین و دولت در عهد ساسانی و چند مقاله دیگر. تهران: جامی.
- بیر، لیونل، (Lionel Bier 1385). سروستان (مطالعه در معماری ایران زمین - مجموعه معماری ایران از بدو شکل‌گیری تا ظهور اسلام). ترجمه امیر حسین سلطانی کرباس فروش. تهران: سبحان نور.
- بی‌نام. ۱۳۵۴. مینوی خرد. ترجمه احمد تفضلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جعفری، ابودر. ۱۳۸۵. «شیز - تحلیل تاریخی و کالبدی و بررسی انطباق مکانی آن با تخت سلیمان». نشریه هنرهای زیبا (۲۵): ۳۴ - ۲۵.
- جواهریان، فریار. ۱۳۸۳. کهن‌الگوی گمشده، باغ ایرانی حکمت هنر منظر جدید. تهران: موزه هنرهای معاصر.
- خوانساری، مهدی، محمدرضا مقتدر، و مینوش یاوری. ۱۳۸۳. باغ ایرانی بازنمایی از بهشت. ترجمه مؤسسه مهندسی مشاور آران. تهران: دبیرخانه همایش بین‌المللی باغ ایرانی - سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- خورشیدیان، اردشیر. ۱۳۲۵. جهان‌بینی اشوزرتشت. تهران: فروهر.
- دوستخواه، جلیل. ۱۳۷۱. اوستا - کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی. تهران: مروارید.
- زارعی، ابراهیم. ۱۳۸۷. آشنایی با معماری جهان. تهران: فن‌آوران.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۷۷. معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سیفیان، محمدکاظم و محمدرضا محمودی. ۱۳۸۶. «محرمیت در معماری سنتی ایران». فصلنامه هویت شهر - (۱): ۱۴ - ۳.
- عالمی، مهوش. ۱۳۸۵. «باغ‌های دوره صفویه: گونه‌ها و الگوها». ترجمه محسن جاوری، فصلنامه گلستان هنر ۲ (۳): ۹۱ - ۷۲.
- گروتز، یورک کورت. ۱۳۸۶. زیبایی‌شناسی در معماری. ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- لیبب‌زاده، راضیه، مهدی حمزه‌نژاد، و محمدعلی خان محمدی. ۱۳۹۰. «بررسی تطبیقی تأثیر ایده‌های معنوی در شکل باغ». فصلنامه باغ نظر ۸ (۱۹): ۱۶ - ۳.

- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۵۳. تفسیر نمونه. ج ۱۹. قم: دارالکتاب الاسلامیه.
- نصر، سید حسین. ۱۳۸۳. نکاتی پیرامون باغ ایرانی - باغ ایرانی حکمت کهن منظر جدید. تهران: موزه هنرهای معاصر.
- نورانی، مرضیه. ۱۳۸۷. «محرمیت در باغ ایرانی». نشریه اینترنتی معماری منظر - (۳۷).
- هرمان، جورجینا. ۱۳۷۳. تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان. ترجمه مهرداد رحمتی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- Daneshdoust, y. 1993. Islamic Garden in Iran, (www.international.icomos.org/publications/93garden4.pdf)

URL1= www.flickr.com

URL2= www.sirjanpnu.loxblog.com

URL3= www.naghsh-negar.ir

URL4= www.tahoordanesh.com

URL5= sarvestan - city.blogfa.com

URL6= www.kermanshahtamin.ir

URL7= www.tebyan.net

URL8= www.mehrnews.com

URL9= www.shahrmajazi.com

URL10= www.beytoote.com

URL11= www.panoramio.com

URL12= www.wikimapia.com